



سال اول - شماره ۷۵ - سه شنبه ۶ خرداد ۱۳۵۹ - شماره ۱۰ روال

بی تردید سرانجام همه‌ی بت‌ها و موانع رستگاری خلق قهرمان ایران مغلوب ارابه‌ی تکامل خواهند شد و پرچم مبارزه‌ی انقلابی توحیدی که با خون شهدای بزرگواری چون حنیف نژادها و سعید محسن‌ها و رضائی‌ها و مینی‌ها... سرخ‌گشته است همچنان در پیشاپیش عالی‌ترین و متکامل‌ترین انقلابات ضد استعماری و رهاشی بخش تاریخ به اهتزاز در خواهد آمد.

از پیام مجاهدین خلق به مناسبت ۴ خرداد

بیچاره شب پرستان تیغ بگف، هلهله زن با سلاله‌ی خورشید و نسل ایمان چه خواهند کرد؟ بگوهر چه می‌خواهند در پیچ و خم جاده‌های تاریک به کمین خورشید بنشینند، تا اسیرش سازند، بگشامندش و در لجه‌ی خون اندازند. ولی خورشید در اسارت هم خورشید است.

برادر مجاهد مسعود رحوی

گزارش مراسم تجلیل از شهدای ۴ خرداد



بهشت زهرا دیروز با حضور دهها هزار نفر در مراسم برگزاری هشتمین سالگرد شهادت بنیانگذاران سازمان مجاهدین خلق ایران، دوباره جلوه‌گر بمانگه خونین خلق مان گشته بود. گروه، گروه هوادارانی که از ساعت ۲/۵ بعد از ظهر وارد بهشت زهرا می‌شدند، در حالیکه مراسم طبق برنامه‌ی از قبل اعلام شده در ساعت ۵ بعد از ظهر شروع می‌شد. و آما در آن گرمای ظهر، این شور و حرارت هواداران را می‌توان جز تجلی عمق مسئولیتی که در این مرحله‌ی حساس کنونی کشورمان با باوری از اهداف خدائی و خلقی مجاهدینی کبیر چون شهید محمد حنیف نژاد، سعید محسن، علی اصغر بدیع زادگان و محمود عسگری زاده بر بقعه در صفحه ۴

سر مقاله رادیو وسیله‌ای برای تصفیه حساب‌های گروهی

تهیه‌کنندگان برنامه‌ی به اصطلاح تجلیل از شهدای چهارم خرداد در رادیو، باردیگر حقارت اندیشه و جبن فرهنگی و اخلاقی خود را در دو برنامه‌ی یکشنبه شب (چهارم خرداد) به نمایش گذاشتند. علی‌الظاهر به مناسبت سالروز شهادت ۵ تن از بنیانگذاران و رهبران مجاهدین خلق می‌بایست یادآوری و تحلیلی صورت می‌گرفت. البته وقتی آقایان بخواهند هم در رادیو و هم در تلویزیون همه‌کار می‌شود کرد. دقایق و ساعات متضادی تعریف و مباحثه با اقوام و خویشان مورد نظر، البته به شرط اینکه از مجاهدین یا وابستگان آنها باشند!

اما وقتی نوبت شهادت مجاهد خلق می‌رسد کار برعکس است و حضرات حتی فرصت سالروز شهیدان مان را نیز برای تصفیه حساب فروگذار نمی‌کنند. کما اینکه شب بعد از شهادت شهید ثریف‌واقی که تصادفاً!! با شب ماقبل انتخابات یکی شده بود "تو" معروفی را که ساواک آریامهری برگزیده بود، بر علیه مجاهدین خلق ایران به نمایش گذاشتند. اینبار نیز در سالروز چهارم خرداد تئوریسین‌های پوک‌مغز مرتجع به خودشان جرأت دادند که از طریق رادیو به تحلیل حنیف نژاد و مجاهدین و... بپردازند. به این ترتیب در پی بردی ریایی تزویر تا می‌توانستند بر شهدای چهارم خرداد و مجاهدین خلق ناخند.

شهید بزرگوار خلق به "جوانی ۲۵ ساله" تبدیل شده که در اثر فقدان رابطه با معمرین و شیوخ قوم، دچار خلا عقیدتی و سرانجام احراف شده است. شهید عسگری زاده که دیگر از ابتدا، خارج از خط بقعه در صفحه ۲

مجاهدین خلق ایران شرکت ورزشکاران ایران در بازی‌های المپیک را خواستار می‌شوند

بخواستار راد مردان ورزش برای شرکت در بازی‌های المپیک احترام بگذارید

بنام خدا
و
بنام خلق قهرمان ایران
سازمان مجاهدین خلق ایران با توجه به نقشه‌های سوداگرانه‌ی دشمن اصلی خلقهای جهان، امپریالیسم آمریکا که منجمله قصد دارد از طریق تحریم المپیک مسکو در قلمرو سیاست بین‌المللی و در برابر خلقهای تحت ستم برای خود حقانیت و مشروعیتی دست‌وپا کند. منع شرکت ورزشکاران وطنمان را در این بازیها به مصلحت نمی‌داند. به خصوص که امپریالیستهای آمریکائی آغازگر و سردمدار جریان تحریم بازیهای المپیک اخیر می‌باشند. بنابراین ما خواستار احترام گذاشتن به تمایل راد مردان ورزش ایران مبنی بر شرکت در این المپیک هستیم از بیایی مجاهدین خلق ایران برای اصل اساسی و انقلابی متکی است که تا وقتی دشمن اصلی خلقهای جهان را از پای نیندازیم ارتقا دادن سایر اختلافات و تضادها به سطح درجه‌ی اول جز به سود این دشمن نخواهد بود. این حقیقت طی تجارب عملی دوران شاه خائن نیز آشکارا به اثبات رسید به این معنا که فی‌المثل دامن زدن اختلاف مسلمان و غیرمسلمان جز به نفع شاه و در جهت منحرف کردن مبارزه‌ی رهاشی بخش ضد امپریالیستی و اسلامی از مسیر اصلی‌اش نبوده و درست به همین دلیل وقتی که شاه در آخرین نقشه‌ی رژیمش سعی بردامن زدن این مسئله می‌کرد با مخالفت یکپارچه‌ی همه‌ی اقشار و رهبران آگاه و همه‌ی نیروهای ملی و انقلابی و اسلامی مواجه گردید. بدیسی است تذکار این حقیقت برای مجاهدین خلق ایران به هیچ وجه به منزله‌ی کم‌بها دادن به استقلال ملی و ارزشهای ویژه‌ی عقیدتی نیست و به اعتقاد ما ملل زیر سلطه‌ی جهان هیچ چیز برتر از آزادی و استقلال ندارند.

از سوی دیگر ورزشکاران قهرمان ایران می‌توانند در مسکو حضورا از مقامات اتحاد شوروی خروج هرچه سریع‌تر سربازان شوروی را از خاک افغانستان خواستار شوند، مخصوصاً نمی‌توان نادیده گرفت که حضور سربازان شوروی در افغانستان بهترین دستاویز را برای میدان یافتن و رشد گرایشات امپریالیستی و تمایلات ارتجاعی در منطقه فراهم بویا سران و شیوخ مرتجع را خرسند و دلگرم نموده است. همانها که چه در پاکستان و یا در سعودی و عمان و سایر نقاط موح خروشان ضد امپریالیستی ایران تحت رهبری امام خمینی پایه‌های حاکمیت و اعتبارشان را به لوزه درآورد.

با آرزوی شرکت ورزشکاران دلیر ایران در المپیک
مجاهدین خلق ایران ۵۹/۳/۴

گزارشی از: فعالیت ۱۵ ماهه امداد پزشکی مجاهدین

درمانگاه کودکان عربی

عصره روز بعد از ظهر که ما می‌رفتیم با داروخانه‌ی در هم رخنه، اطای-های کثیف و نظایه‌ی از انفعال روبرو می‌شدیم. بر سر صبح در برخورد با برخی از موهبی آلا و طلبکارانه برخورد می‌کردند. گویهای که به ناراضی‌ها دامن زده می‌شد. درست مثل بسیاری از مراکز حبره معنی روزها تا ساعت ۱۱ و گاهی اوقات اصلاحی آمدند. در اوایل مردم همانا ما عسر می‌رفتیم) مثل افراد صبح نگاه می‌کردند ولی بعد از مدتی بی‌سعه واقعیت بودند و با دیدن تفاوت‌های کیفی کار ما با برنامه‌ی صبح، سعی می‌کردند از امکان بعد از ظهر استفاده کنند. شفت صبح بی‌س از سه ماه که دیگر مراجعینشان به حداقل رسید دیگر ساندند. ساعتیل برنامه‌ی صبح علیرغم بقعه در صفحه ۷

گزارشی در مورد شورش سیاهان در آمریکا

زمینه‌های قیام سیاهان از جنبه‌ی اقتصادی

خلاصه‌ای از دو مقاله از نیویورک شماره ۱۷ سینه
حصولی فرهنگ سرمایه‌داری برای این سیاهان می‌باشد. آمار بیکاران ساه در این شهر دو برابر آمار سفید بوسان می‌باشد. آمار بیکاران در سفید بوسان ۸٪ و در سیاه بوسان ۱۷٪ می‌باشد. وضع زندگی ۳۸٪ از سیاهان این شهر حتی پائین‌تر از سطح فقر می‌باشد. همواره ساد بوسانی که در ادارات دولتی دارای مشاغلی بوده‌اند، از طرف مقامات سفید بوست منبم به فساد و رشوه‌خواری و مورد دیگر اتهامات جعلی و ظالمانه بوده‌اند. پلیس مابی همواره حصانه‌ترین رفتار را نسبت به سیاهان داشته‌است. همه‌ی موارد ذکر شده و بسیاری عوامل دیگر زمینه‌های انفجار را در سیاهان بوجود آورده تا اینکه حادثه‌ی آن را مشتعل نمود. جریان بدین طریق آغاز گردید که چندی فصل جوان ۳۳ ساله‌ای به نام آرتور مکدافی که قبلا در نیروی دریائی آمریکا خدمت می‌نمود و نحشای ناشی از فقر از عوامل

پیام مجاهدین خلق ایران به مناسبت چهارم خرداد

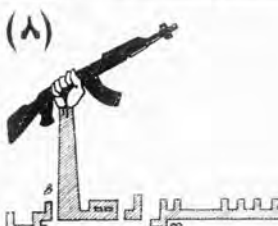
صفحات ۴، ۵، ۶ و ۷

بهرت واقع شد و ارزشهای معسر برکتی و نغاله‌های فرهنگ غری همراه با حکمهای دستکاری به سبب ما تحصیل گردید. به همین علت ما با بدبختی در جامعه‌ی خودمان در زمینه‌ی رزنها و سبها روبرو هستیم و آنرا که در بسیاری از موارد، آنها که از سبهای فتودالی می‌ترسند و جدا می‌شوند، با خود آگاه و در داغهای این رزنها بدم سرمایه‌داری می‌افسند. مثلا رهاشی آنها از قد نظام سندی فتودالی دقیقا همگام با سقوط در دستکاری سرمایه‌داری می‌شود. و در این مرحله درست حکامی که فکر می‌کنند نه آزادی دست یافته‌اند در واقع از میدان حرهای طبعانی فتودالی-سینه و آسند، پس از آنالهای ۴۰ به دنبال فرم امریکائی وارد مرحله‌ی سرمایه‌داری و آسند گردیدند. و با بیایی صنایع مویساز مورد تهاجم فرهنگ بوسده‌ی سرمایه‌داری

زن در جامعه‌ی سرمایه‌داری در شماره‌ی قبل موعبت اجتماعی زن را در جامعه‌ی فتودالی بررسی کردیم و در برخی نمونه‌ها سان دادم که چگونه ارزشها، سنتها و آداب و رسوم جامعه‌ی که در آن زندگی می‌کنیم، در بسیاری بخش‌هایش از گرس فتودالی سب به زن متاثر است. دستگاهی که مسامانه تحت عنوان اسلام اراند می‌شود. حال می‌خواهیم موعبت زن را در جامعه‌ی سرمایه‌داری مورد بررسی قرار دهیم.

اهمیت این بخش از بحث

این قسمت از بررسی جریان وار زندگی تاریخی زن به دلایل گوناگون حاضر اهمیت ویژه‌ای است: اولاً- از آنجا که نظام سرمایه‌داری آخرین شکل نظام طبقاتی است که در تاریخ بشر شکل گرفته و به دلیل گسترش



وسيله‌ای برای تصفيه حسابهای گروهی

اسلام سیر می‌کرده... طرز کار مجاهدین از روی الگوی مارکسیستی کپیبرداری شده! و رهبری کنونی سازمان نیز از همان حسن‌نیت بنیانگذاران اولیه سازمان هم برخوردار نیست و از خط آنها خارج است...

آقایان راستی شما را چه می‌شود و چگونه به خود جرات می‌دهید و شرم هم نمی‌کنید که اندیشه‌هایی را که از میان آتش و خون و سانه‌ها مجاهدت خونبار و خستگی‌ناپذیر در میدان اندیشه و عمل برخوردار است...

سرخ‌علوی است که همواره همچون علی (ع) به سبب جوانی و اینکه زفیوضات! معمرین قوم بی‌بهره! " بوده است متهم و سرکوب می‌شده است...

"مجاهد الشعب" منتشر شد

اولین شماره "مجاهد الشعب" نشریه عربی مجاهدین خلق از چاپ خارج شد...



زمینه‌های قیام سیاهان از جنبه اقتصادی

ولی سیل سیاهان تظاهرکننده در سر راه خود کمیاب و فروشگاههای سفیدپوشان، ماشین پلیس، ماشین ادارات دولتی رایبه آتش و غارت می‌کشند...

واقعی از گردهای آنها کار می‌کنید و اگر فتودال با گذراندن یک سری قواسم، رعیت را روی زمین خرید و فروش می‌کرد...

موقعیت زن در جامعه سرمایه‌داری

سرمایه‌داری به عرصه هرچه بیشتر سروی کار از یک طرف و احتیاج به بازار مصرف جدید از طرف دیگر، زنان را به میدان تولید می‌کشاند...

زن در مسیر رهایی

مخصوصاً از آنجا که نظام سرمایه‌داری فیرکارانه با کشاندن زن به بازار عرصه و تقاضا و رونق بخشیدن به کالاهاش با سوءاستفاده رذیلانه از عنصر حسیت مدعی آزاد کردن زن هم می‌شود...

سخنرانی برادر مجاهد عباس داوری

درگرا میداشت روز ۴ خرداد



زندگی دلتبار دادن سرنوشت محتوم همه بود. اما کسی که مسلمان هست و معتقد به قانونمندیهای هستی و همینطور جامعه، این ندای قرآن را همیشه می شنود که "ارض الله واسع" زمین خدا خیلی وسیع است، یعنی بیست مفهومی ندارد. یعنی اگر ما به این اصل اساسی معتقد باشیم که مبارزه بین حق و باطل تعطیل بردار نیست، پس باید دنبال شیوهی خاص هر زمان گشت و پیدا کرد و یقینا پیدا می شود. زیرا:

لثلا تبطل حجج الله و بیئاته نا دلیلهای روشن و مستگیری استوار بسوی خدا از بین نرود. و کم ذل و این؟ آنها چند نفرند کجا هستند؟ می خواهد این نکته را تصریح کند که با کمیت و زمان و مکان خاص کاری نداریم.

"قلب"ها و سرمایهها

راستی روزی که سازمان بنیانگذاری شد ما چه سرمایهای داشتیم؟ محمدرضا مغرب کارگری و عملی می کرد تا هم با درد و رنج آنها آشنا شده و دید خودش را عمیق ببخشد و هم اوایل پولی گیرش بیاد اصغر تنها یک پیراهن داشت و وقتی چرک می شد می شست و منظر بود نا خشک شود. ما تنها یک خانه محقر سازمانی داشتیم که ۲۷ تومان اجاره ما ش بود. چندتا کتاب هم داشتیم این ظاهر مسئله بود اما در درون این خانه محقر قلبهائی سرشار از عشق و ایمان بیوسعت هستی، نه ایمان صوری که با یک "تکتر" فرو بریزد، و نوبه نامه بنویسد، نه ایمانی که با یک ضربه مانند طرف چینی بشکند، بلکه ایمانی استوار و پولادین، مگر ندیدیم که محمود زیر شکنجه به بازجو گفت "درست است که ما را دستگیر کردید ولی پیروزی با ماست"؟ مگر ندیدیم که سعید در بیدادگاه شاه، نوید پیروزی میداد؟ مگر ندیدیم که اصغر بعد از ۲ بار عمل جراحی روی ستون فقرات سوختهائی که فقط چهار دست و پا می توانست راه برود می گفت: "بچهها بیاید ورزش کنیم"؟ مگر گریهی سربازها را در اوین به هنگام بلند شدن صدای تکبیر و مرگ بر امیرالایم و شاه خائن ندیدیم؟ این قلبها سرمایههای ما بود.

سیمای شهیدان از زبان امام علی

با اجازه امام می خواهم مقام این شهدا را از زبان حضرت علی بازگو کنم زیرا اینها از صدیق ترین و باوفاترین پیروان مکتب حضرت می باشند و از طرفی همین شهدا بودند که قرآن و به خصوص نهج البلاغه را برای اولین بار راهنمای عمل اجتماعی خود قرار دادند. علاقهی واقعی که اغلب برادران به نهج البلاغه داشتند، بازم برایم نوید این بود که سیمای خودشان را نیز از نهج البلاغه تصویر کنم، اگر در نوام باشد.

اللهم یلی رلاتخلوا الارض من قائم لله بحجة: اما ظاهرا مشهورا و اما خائفا مغمورا. یله، بار خدایا. زمین از کسی که دین خدا را با دلیل و حجت (شوهه های مناسب) برپا می دارد، خالی نمی ماند. یا شرایط طوری است که به طور آشکار و علنی این رسالت را انجام می دهند یا در شرایط خفایان به طور پنهانی با مریز بندبهای خاص.

آری و بنیانگذاران سازمان مجاهدین خلق در شرایط مبارزه خودشان را ارتقا دادند که رژیم فاشیستی پهلوی بعد از سرکوب و حشانهای خلق در ۱۵ خرداد ۴۲، کشورمان را تبدیل به گورستان نبات کرد و بدینوسیله حاکمیت رژیم وابستهی خود را تثبیت نمود. همه جا سکوت، نه حرکتی و نه شوری. دستگاههای تبلیغاتی، رژیم پهلوی را حاکم مطلق، تصویر می کرد. باس و بی اعتمادی همه جای کشور را فرا گرفته بود. سیستم ضدانسانی رژیم حضور خود را در همه نهادها نشان می داد. انگار هر حرکت ضد رژیم محکوم به شکست بود. تنها رابطه ای حاکم در کشورمان یک رابطه ای اسارت بار بود و لاغیر. فرهنگ مصرف چاپلوسی، تلقی گویی، بی تفاوتی در همه جای کشور آشانه یافته بود. گویی مفاهیمی مانند مبارزه، انقلاب، شهادت و جهاد چیزهایی بودند مربوط به گذشته و هیچ محلی از اعراب در زندگی نداشتند. همه راهها یا به بن بست می خورد و یا به دام پلیس، همه جا ظلمت بود و گریز از این ظلمت جز محلات به حساب می آمد. اغلب روشنگران و مبارزین قبلی در یک حالت بهت و بی تفاوتی بسر می بردند. ظاهرآ تن به

مگر امروزه نمی بینم و شاهد نیستم که آسمان و زمین کشور ما را جولانگاه خود قرار داده؟ مگر هر روز مردوران خود را علیه خلق ما مسلح نمی کند؟ مگر در کشور ما نوطه نمی کند؟ مگر هندی حرامشرت مجدد ما دارد؟ مگر الان خلق کرده را نمی گوید؟ مگر ساهاان امریکا را به آتش و خون کسد؟ مگر خلق آمریکای لائین را به اسارت نمی کند؟ پس چه رابطه ای بین ما و امیرالایم می ماند؟ جز سبج خلق، جهت یک روبرویی قهرآمیز با این شیطان بزرگ؟ اما این راه، راه مردان حداست. نه آینهائی که راحت طلب و سازگارند. و استخوان ما استوعره المتروحن و استخوان ما استوحش منه الاحلوهن

اصل و فرغ و دشمن اصلی

دقیقا تفاوت آینهائی که بر بستها را شکستند و آینهائی که هنوز در فازهای قبلی هستند از اینجا درک می شود. یعنی این که اصل جبهه، فرغ جبهه، یعنی وقتی ما دشمن اصلی را شناختیم دامن زدن به هر نوع تضادهای فرعی، تاریک اندیشی است. یا عدول آگاهانه از آن اصل، حیانت می باشد. به عنوان مثال وقتی دادگاه شهید محمد تمام شد نمایندهی رژیم به محمد گفت آقای جنیف نژاد ما سنا پیشنهاد داریم که اگر شما بپذیرید، نه تنها خودتان بلکه اغلب دوستانان هم از مرگ حتی نجات خواهید یافت به پیشنهاد اینها هستند:

۱- تضاد اصلی بین مذهبی ها با لامذهبی هاست (یعنی ما هم با شما هستیم)

۲- مبارزه ی مسلحانه اشتباه است

۳- ما از کشورهای خارجی مانند عراق بول دریافت می کردیم.

محمد جواب داده بود که اولاً تضاد اصلی در جامعه عبارست از بین خلق و ضد خلق که شما نمایندهی آن هستید. ثانیا مبارزه ی مسلحانه تنها شیوهی حل این تضاد می باشد. ثالثا ما به خدا و خلق خودمان متکی هستیم. و نه هیچ اجنبی وابسته نیستم.

۴- مبارزه ی مسلحانه اشتباه است

شهیدای بی آزارند

وقتی در اوین بودیم شخصی سفارش کرده بود که سلام مرا به بچهها برسانید و به آنها بگوئید اگر پیغمبر امروز مجددا مبعوث شود همان راه را خواهد رفت که مجاهدین می روند و ای کاش در حضورتان بودم و دورگفت بشت سران مبارزمی خواندم پس از این ماجرا شهید محمد به برادران پیام فرستاد که امروز که ما زیر شکنجه هستیم و شهید خواهیم شد ما را بزرگ می کنند زیرا شهید بی آزار است اگر فردا خلق پیروز شد شما را می کنند دشمن شماره ۱. چرا که اینها وحشتان از راهان است و از آینهائی که این راه را ادامه می دهند و نه از شهید. و اینها می خواهند شهید فقط به صورت مرده درآید آن وقت خواهند برستند. می دانید فرق مرده با شهید در چیست؟ همه چیز مرده با خودش دفن می شود اما از شهید فقط خودش را می توانند دفن کنند، راهش را عقیده اش هموار زنده است و نمی شود آن را از بین برد. وجود ماها امروز در زیارتگاه شهیدا مبین همین مساله است. آیا پیش بینی حریف درست از آب در نیامد؟ امروز خیلی ها از

گشفت قوا نین جدید حاکم بر جامعه

در این اندیشه و مرحله جدید بود که قانون حاکم بر جامعه مان کشف شد و امیرالایم امریکا به عنوان اصلی ترین مانع و سد حرکت جامعه شناخته شد. یعنی تا زمانی که سلطه ی امیرالایم وجود دارد امکان حرکت به جلو از جامعه سلب شده است، چون رابطه ی امیرالایم با اجتماع انسانی یا اسارت است یا جنگ. هیچ منطقی بعیر از منطق قهر آن را نابود نخواهد کرد بنا بر این تنها شیوهی مبارزه ی قهرآمیز خلق با امیرالایم است که قادر خواهد شد ریشه ی آن را بکند.

باید اصالت خودش را در برانیک اجتماعی به نبوت برساند یعنی در کوران حوادث و حسیابهای اجتماعی باید خودش را نشان دهد و آن وقت فرد مکتبی می تواند ادعا کند. و نه در یک روند ساده و یک خطی چرا که به قول حضرت علی (ع) ان امرنا صعب مستصعب، لایحمله الا عید مومن، امتحن الله قلبه للایمان" همانا کار ما (جمل این مکتب) کار بسیار دشواری است و تنها فرد مومنی که از آزمایش خدایی بیرون آمده است قادر به حل آن می باشد. و در این ۱۵ سال گذشته دیدیم که چه ضرباتی را ما نواستیم تحمل کنیم، و از چه کورانهائی نواستیم مکتب خودمان را سالم بیرون بکشیم و ارتقا دهیم اما آیا رسالت این نوع افراد به همین جا خاتمه می یابد یعنی تنها حفظ مکتب هست یا شیوهی انتقال آن نیز مطرح می باشد.

میراث بران مکتب

"حتی بود عوفا نظراً هم و بزرگوها فی قلوبنا اشابهیم"

انجام این رسالت ادامه دارد تا زمانی که این مکتب را به دست نظایر خودتان بسازید و در قلبهای شان کتب نمایند.

شیوهی این انتقال و کتب چگونه باید باشد؟ حل این مشکل تا زمانی که رژیمهای فاشیستی سرکارند تنها از طریق سازمانهای مخفی با ضوابط تکلیفاتی خاص خود امکان پذیر است. یعنی سازمانی که بتواند در شرایط سخت، مبارزه را تداوم ببخشد و تنها در آن چارچوب است که می توان حرکت مکتبی را تضمین نمود به این دلیل می بینیم که هدف مرحله ای بنیان گذاران سازمان، ایجاد سازمانی بود که در روند تکاملی خودش بتواند برای ادامه ی مبارزه کسب صلاحیت کند. وقتی هدف، درست انتخاب شود یعنی منطبق با سنت آفرینش باشد مثالی همان شجره ی طیبه است که امکانات جهت رشد آن از هر سو فراهم می شود.

هجم بهیم العلم علی حقیقه البصیره و با شرواح الیقین"

علم و شناخت با بنیانی حقیقی به ایشان روی می آورد و با اطمینان کامل بدون دغدغه ی خاطر شناخت خودشان را بکار می بندند. بله وقتی به مرحله ی نویسی می رسم یعنی به نقطه ی جدیدی از کمال ارتقا می یابیم، دنیای جدیدی در چشم اندازمان قرار می گیرد دنیایی که قبل از آن هرگز قادر به درک آن نبودیم درست مثل طفلی که متولد می شود یعنی بن بستهای مرحله ی قبلی را می تواند بشکند، از این به بعد همه چیز برایمان تازه ی دارد. و وقتی شهیدای پیش ازین بیست مبارزات ایران را شکستند آنوقت کلماتی مانند مبارزه، شهادت مفاهیم جدیدی را بیان می کردند یعنی دقیقا در جای خود بکار می رفتند.

پیام استادان متعدد دانشگاهها و مدارس عالی کشور به مراسم ۴ خرداد

حضرتان و استادان احام دادند. اگر آن روز رژیم سفاک پهلوی آنان را به دلالی "مارکسیست اسلامی" می خواند و سعی در مغردن کردن آنها داشت درست به همان دلیل است که امروز راهروان راه حریف را زبندی و سناق می خوانند.

اگر امروز رژیم پهلوی به ما شبیه می نمود و جنس شبتهائی را می زد امروز نیز عاملان همان امیرالایم هستند که امیراهای زبندی و سناق را بکار می برند. ولی چه باک اگر محمد رضا پهلوی با آن همه درنده خوئی و سفاکی توانست مجاهدین خلق را از صحنه ی مملکت محو کند امروز این نوجگان پهلوی نیز خواهند نواست. ما همانطوری که مطمئن بودیم که حون حسیف نژادها، بدخ رادگانها سعید محسن ها با اعمال نخواهد شد امروز نیز ایمان راسخ داریم که حون شکرالله متکین فام - عباس عمالی، رضا حامدی، عین الله بورعلی و... با اعمال خواهد شد و برادران و خواهرانی که به خاطر تحقق آرمان شهیدای خلق مورد کشفترین بهمتها فرار می کردند نه تنها خیلی در اراده شان ایجاد نمی کرد بلکه هرچه سسر از پیش برای حفظ دستاوردهای شهیدا و ادامه ی راه حسیف ها جانفشان خواهد کرد. ما استادان متعدد دانشگاهها و مدارس عالی هشتاد و هشت سالگرد شهادت پیچ تن از والا مقام ترین شهیدای سازمان برافترخان مجاهدین خلقی را گرامی داشته و ضمن تسلیت همه جانبه از راهروان راه حریف با خلق خود پیمان می بندیم که برای خراستارخون شهیدا و خدمت به خلق ستمدیده و محرومان لحظه ای از پای نیستیم.

استادان متعدد دانشگاهها و مدارس عالی

درست به این دلیل هست که اجتماعی بنیادین نتایجگیری بنیان گذاران سازمان اینست که مبارزه ما شاهدیم یک مکتب امکان پذیر نیست به عبارت دیگر مبارزه باید مکتبی باشد. زیرا هر عمل و حرکت اجتماعی را ما باید بتوانیم در آن مکتب تبیین کنیم و بدون تبیین یا تئوریزه کردن عمل درست به این دلیل هست که اجتماعی امکان درک درست از پیوندهای فاشیستی بنیادین ما شاهدیم که خیلی ها دم از مکتب می زنند اما فقط مکتب را در ذهن خود جستجو می کنند گویی مکتب هیچ رابطه ای با عمل اجتماعی ندارد و تنها در حرف زدن و نوشتن خلاصه می شود. در حالیکه می دانیم: والدین جاها و فیا لشهدییمم سلکنا مکتب می بینیم اولین نتیجه گیری بنیادین ما سازمان اینست که مبارزه یک "تکتر" فرو بریزد، و نوبه نامه بنویسد، نه ایمانی که با یک ضربه مانند طرف چینی بشکند، بلکه ایمانی استوار و پولادین، مگر ندیدیم که محمود زیر شکنجه به بازجو گفت "درست است که ما را دستگیر کردید ولی پیروزی با ماست"؟ مگر ندیدیم که سعید در بیدادگاه شاه، نوید پیروزی میداد؟ مگر ندیدیم که اصغر بعد از ۲ بار عمل جراحی روی ستون فقرات سوختهائی که فقط چهار دست و پا می توانست راه برود می گفت: "بچهها بیاید ورزش کنیم"؟ مگر گریهی سربازها را در اوین به هنگام بلند شدن صدای تکبیر و مرگ بر امیرالایم و شاه خائن ندیدیم؟ این قلبها سرمایههای ما بود.

مبارزه، مکتب و عمل اجتماعی

وقتی امام خدایمان خلق قهرمان ایران را در روز ۴ خرداد ۵۸ درگذشتند، ما شاهدیم که از حون پاک آنها پس از هفت سال سبلاها خراستند همانها که برای درهم کوبیدن ترک و سها و افامه ی موجود به پا خاستند. آنها شاگردان مومن و دلداده ی مکتب قرآن بودند. اینها راه جهاد را گشودند.

درست به این دلیل هست که اجتماعی امکان درک درست از پیوندهای فاشیستی بنیادین ما شاهدیم که خیلی ها دم از مکتب می زنند اما فقط مکتب را در ذهن خود جستجو می کنند گویی مکتب هیچ رابطه ای با عمل اجتماعی ندارد و تنها در حرف زدن و نوشتن خلاصه می شود. در حالیکه می دانیم: والدین جاها و فیا لشهدییمم سلکنا مکتب می بینیم اولین نتیجه گیری بنیادین ما سازمان اینست که مبارزه یک "تکتر" فرو بریزد، و نوبه نامه بنویسد، نه ایمانی که با یک ضربه مانند طرف چینی بشکند، بلکه ایمانی استوار و پولادین، مگر ندیدیم که محمود زیر شکنجه به بازجو گفت "درست است که ما را دستگیر کردید ولی پیروزی با ماست"؟ مگر ندیدیم که سعید در بیدادگاه شاه، نوید پیروزی میداد؟ مگر ندیدیم که اصغر بعد از ۲ بار عمل جراحی روی ستون فقرات سوختهائی که فقط چهار دست و پا می توانست راه برود می گفت: "بچهها بیاید ورزش کنیم"؟ مگر گریهی سربازها را در اوین به هنگام بلند شدن صدای تکبیر و مرگ بر امیرالایم و شاه خائن ندیدیم؟ این قلبها سرمایههای ما بود.

پیام استادان متعدد دانشگاهها و مدارس عالی کشور به مراسم ۴ خرداد

حضرتان و استادان احام دادند. اگر آن روز رژیم سفاک پهلوی آنان را به دلالی "مارکسیست اسلامی" می خواند و سعی در مغردن کردن آنها داشت درست به همان دلیل است که امروز راهروان راه حریف را زبندی و سناق می خوانند.

اگر امروز رژیم پهلوی به ما شبیه می نمود و جنس شبتهائی را می زد امروز نیز عاملان همان امیرالایم هستند که امیراهای زبندی و سناق را بکار می برند. ولی چه باک اگر محمد رضا پهلوی با آن همه درنده خوئی و سفاکی توانست مجاهدین خلق را از صحنه ی مملکت محو کند امروز این نوجگان پهلوی نیز خواهند نواست. ما همانطوری که مطمئن بودیم که حون حسیف نژادها، بدخ رادگانها سعید محسن ها با اعمال نخواهد شد امروز نیز ایمان راسخ داریم که حون شکرالله متکین فام - عباس عمالی، رضا حامدی، عین الله بورعلی و... با اعمال خواهد شد و برادران و خواهرانی که به خاطر تحقق آرمان شهیدای خلق مورد کشفترین بهمتها فرار می کردند نه تنها خیلی در اراده شان ایجاد نمی کرد بلکه هرچه سسر از پیش برای حفظ دستاوردهای شهیدا و ادامه ی راه حسیف ها جانفشان خواهد کرد. ما استادان متعدد دانشگاهها و مدارس عالی هشتاد و هشت سالگرد شهادت پیچ تن از والا مقام ترین شهیدای سازمان برافترخان مجاهدین خلقی را گرامی داشته و ضمن تسلیت همه جانبه از راهروان راه حریف با خلق خود پیمان می بندیم که برای خراستارخون شهیدا و خدمت به خلق ستمدیده و محرومان لحظه ای از پای نیستیم.

استادان متعدد دانشگاهها و مدارس عالی

درست به این دلیل هست که اجتماعی امکان درک درست از پیوندهای فاشیستی بنیادین ما شاهدیم که خیلی ها دم از مکتب می زنند اما فقط مکتب را در ذهن خود جستجو می کنند گویی مکتب هیچ رابطه ای با عمل اجتماعی ندارد و تنها در حرف زدن و نوشتن خلاصه می شود. در حالیکه می دانیم: والدین جاها و فیا لشهدییمم سلکنا مکتب می بینیم اولین نتیجه گیری بنیادین ما سازمان اینست که مبارزه یک "تکتر" فرو بریزد، و نوبه نامه بنویسد، نه ایمانی که با یک ضربه مانند طرف چینی بشکند، بلکه ایمانی استوار و پولادین، مگر ندیدیم که محمود زیر شکنجه به بازجو گفت "درست است که ما را دستگیر کردید ولی پیروزی با ماست"؟ مگر ندیدیم که سعید در بیدادگاه شاه، نوید پیروزی میداد؟ مگر ندیدیم که اصغر بعد از ۲ بار عمل جراحی روی ستون فقرات سوختهائی که فقط چهار دست و پا می توانست راه برود می گفت: "بچهها بیاید ورزش کنیم"؟ مگر گریهی سربازها را در اوین به هنگام بلند شدن صدای تکبیر و مرگ بر امیرالایم و شاه خائن ندیدیم؟ این قلبها سرمایههای ما بود.

مقاله‌های که توسط

خواهر مجاهد شهید اصغر بدیع زادگان در مراسم ۴ خرداد قرائت شد

بسم الله الرحمن الرحيم
الا ان مثل ان محمد کمثل نجوم
السماء اذا خوی نجم طلع نجم.

هر شب، ستاره‌های آسمان می‌سکند و بار
آسمان غمرده غرق ساره هاست
ستاره‌های چهارم خرداد مثل ۵۱
با طلوع و درخشش ۵ ستاره به صبح
خوش خود رسد. به محضی که از
خورشیدهای مجاهد خلق محمد
حسین زاهد، محمدحسین اصغر
بدیع زادگان، محمود عسگریزاده و
عبدالرسول مشکین‌فام، شرح‌فام
گفت: آنها که بودند؟ چه می‌گفتند؟
و بر سر چه عهد و پیمانی این جنین
عاجزانه وفادار ماندند؟

جمع بندی تجارب

در زندگی برابر ثلاثان،
سکون و رخوت جانی نداشت، حتی
آن هنگام که حقد بلند ناس و
ناسدی ناله‌ی سوم خود را بر
جراحی‌های مبین‌مان بر داده بود و
آن زمان که اهریمنان به خیال خود
با سرکوب و کشتار هزاران نفر در ۱۵
خرداد خود را در جزیره‌ی نیات و
آرامش می‌دیدند.

آری در آن زمان نیرو و حتی در
زندان و اسارتگاه درخیمان نیز،
ساکت و بی‌تلاش نبودند و در کنار
بدر ظالمانی به جمع بندی تجارب
پرداختند تا با درگیری از خطاهای
گذشتگان، رسالت مبارزه را بر دوش
گیرند.

سپاری دم از بی‌فایده بودن
مبارزه با رژیم شاه می‌زدند، توصیه
به آرامش و صبر می‌کردند اما "محمد
و سعید" دل در هوای دیگری داشتند
مگر به اینکه پیامبر گفته بود: "هرکس
که سبی را صبح کند و در اندیشه‌ی
رفع مشکلات مسلمین باشد، مسلمان
سیست" پس چگونه می‌توان شاهد
سرکوب و کشتار و فقر و محرومیت
مردم بود و دم برآورد؟

به بحمد و سعید را برای
حسن سکوت محافظه‌کارانه‌ی خود
آخر رسالت عکس بیست مبارزات
حلقی را بر دوش خود احسان
می‌کردند. حلقی که سارانی سار
را خریه کرده بود که سراجام به
بیست رسیده بودند. رسالتی که
بدر ظالمانی در هفتمین سالگرد
شهادتشان آن را حسین توصیف کرد:
آنها راه جهاد را گشودند

براسی که بدر فرزندان خود
را خوب می‌شناخت، چرا که خود در
تمامی آن روزهای مرگ‌آورد، شاهد
تلاش و کوشش جنگی باند بر این
دلآوران بود که با ایامی حلق‌بند
به چیرگی حق بر باطل و به پایان
رسیدن شب سواد حاکم بر مبین، به
دسال نکتت مبارزات ملی، درسی
یافتن راه نجات آخرین بودند
و سراجام در روبرویی با رژی می
آن حد سفاک و بی‌رحم تنها طریق
رهایی را در سرد قهرآمیز و مسلحانه
یافتند سردی که کلاش برسی است.

با تشکیل سازمان مجاهدین
خلق ایران، سعی روس گشت که به
دورس پروانگان غاصبی به حرکت
درآیند. پروانگانی دل‌ناده‌ی مکتب
بوحد و سرخورده از مذهب راجح که
در جستجوی راه اصلی و نهایی
نجات خلق از چنگال درخیمان،
برایا تلاش و کوشش بودند. آنها
سراجام این گمته‌ی خود را در
سایب یافتند که مجاهد کبیر محمد
حسین زاهد "به کتک و باوری دو
برادر هم‌رسم مجاهدین شهید سعید
محسن و اصغر بدیع زادگان میان
گذاشته بودند.

براسی که محمد و سعید واصغر
جد رسالت عظیمی را بر دوش کشیدند
از یک طرف آنها می‌بایست بر علیه
جو احتیاق و حیفان پلیسی که بدر
اسد را در دلها خشکانده بود،
بیاحیزند و سور پیروزی را به جون
شععی که در صحرایی دور سوسو
می‌زد بلکه همچون مشعلی فرزندان
در معرض دیدگاه خلق قرار دهند و
هم بنا بر رسالت مکتبی خود
می‌بایست عمار و زنگار ۱۴ قرن
تحریف و برداشته‌های طغفانی را از
چهره‌ی یک اسلام انقلابی بردارند.

در احساسات که عظم این
ستارگان ستر از پیش روشن می‌شود
همته آغازکنندگان راه انقلابی و
کنایندگان موانع و سببها از
کیفیتی معنایی و برتر بر حور دارند
چنانکه فرآن سر می‌گوید:
لا یتوی منکم من اعق من قبل
الفتح و قاتل اولئک اعظم درجه من
الذین اعقوا من بعد و قاتلوا (۱۵)
حدید)

آغاز حرکتی پر شور

بهر حال حرکتی پر شور به همت
این دلآوران آغاز گشت و در جریان
رسد خود جوانان پاک‌انحسی
سپاری را در دامان خود پروراند.
با بورس و حساسی ساواک در
شهر بور ۵۰ تعداد کثیری از این
عزیزان، دستگیر شده و به زندان
افشاندند تا آن موقع برای بسیاری،
زندان نقطه‌ی پایان مبارزه و وفاداری
بر عهد و پیمان با خدا و خلق بود
اما مجاهد خلق در هر کجا که ناسد
آخرا را تبدیل به سگری برای دفاع
از آرمانهای سوحدی خود می‌کند.
یک روز در خیابان و یک روز در کوچه‌ی
سلول، همه جا معنای سندان
سردی برای اوست.

مردوران ساواک که در سدر به
دسال مجاهد شهید محمدحسین زاهد
بودند، بعد از دستگیری اصغر
بدیع زادگان او را تحت وحسانه‌ترین
تکلیفها فرار دادند تا لنگه به محمد
دست‌بند ولی چه خیال ناظلی،
اصغر را چهار ساعت مداوم بر روی
احاق برقی می‌چرخاندند. سوحنگی به
باعتی رسید. تمام بدس جریک
کرده بود به طوری که راهروهای
زدانی که سلول اصغر در آن قرار
داشت، بوی تعفن گرفته بود. مردوران
به امید آنکه سراجام به حرم
آوردند او را با همان حال به
بارجوشی می‌بردند ولی لب زار زار
اصغر برای دشمنان خلق هرگز گشوده
نشد. روزی اصغر گفته بود:

"ارزش هرکس در مبارزه به
اندازه‌ی مایه‌ای است که در این راه
می‌گذارد" و خود چه خوب ارزش

پیام انجمن زنان مسلمان خزان به مراسم بزرگداشت چهارم خرداد

به نام خدا
آنها شاکردان مومن و دل‌ناده
فرآن بودند، گوهرهایی بودند که در
تاریکی شب درخشیدند. حسین زاهد،
بدیع زادگان، عسگریزاده، مشکین -
فام، ناصر صادقی از همسایگان
بودند. آنها راه جهاد را گشودند.
(قصه‌ی ارباب بدر ظالمانی به صامت
۴ خرداد ۵۵)

هفت سال پیش در سحرگاه
خوش چهارم خرداد فرزندان دلآور
خلق به دست‌رزم مردور آمریکایی
سپاران شدند و چون پاکشان آسمان
سایه مبین ما را گلگون کرد. انسان
فرزندان راستی نکتت حسن بودند
که با سار خان خود حفظ سرجی در
تاریکی گشودند و بی‌تک حون
یاکشان در آن تیراقت سناه راهگسای
مبارزات خلق مهربانان کردند. در
سراطلی که حیفان و دستکاری بر
مبین مان سناه افکنده بود و فرصت
طلشان و عاصب حیوان به ظاهر مبارز
در گوشه‌ای خرد و غریبگی راحت
خود می‌پرداختند و در حالیکه هر
فریاد حق طلبانه‌ی در گلو حعه
می‌زد و سانی بر مزمه سبوسلی گشته
بود این فرزندان دلیر خلق سلاح بر
کف با الهام از عالم راستی اسلام
و نکتت انقلابی شمع به نا حاستند

با یوست و کوست خود لمس کرده‌ام و
معنای گرسنگی و فقر و سیکاری را درک
می‌کنم معین دارم که سبها راه
پایان حشیدن به هرگونه ظلم و
استعمار در هر گوشه‌ی جهان، تحقق
اهداف اسلام راستی می‌بایند که
آرمان این شهیدان به خون حقد
بوده که اسبک هم سبکران و دستگر
رهروشان در ادامه‌ی راه این
بیماران سوحید با وجود سبامی
سحی‌ها و سناها که از طرف
اصرائسم و به دست مرحفمن و
عناصر فالانز و دستگر انادی آن بر
آنها وارد می‌شود تا غیری اسوار و
آهمن به راه خود ادامه می‌دهند و
در این راه انواع سببها و آفترها و
صرب و سبها و حتی کورشدن
سببها و سببهاها را با صبری
انقلابی تحمل می‌کنند چرا که
بمعدن راه اسلام از مان آس و
حون و سببها می‌گذرد و در همین
صحنه‌هاست که سران ایمان و اعتماد
اسان در سببها خدا و خلق
سحیده می‌شود.

و اکنون ما مادران جنوب سپر
با دلی بروج و حسی بر ار انگ بر
مبارزان کرد آمدن ما با صس گرمی -
دست همسمن ساگرند سهادسان بار
بشر مبدی را کتا سنا داننا

در شرایطی که حفقان و دیگتاتوری بر مبین مان
سایه افکنده بود و فرصت طلبان و عافیت جویان
به ظاهر مبارز، در گوشه‌های خزیده بودند، این
فرزندان دلیر خلق سلاح برگرف با الهام از تعالیم
راستین اسلام انقلابی به پا خاستند.

بکار و حقد کم که هر چند که
در این دوران ما را عجرم حامت
کردن از سنا و ادامه دهندگان راهان
به انواع سببها متبم سارند و
دخترانمان را کور کنند و از صرب
و سببها سناه انواع سناها را حمل
کرده و فقر و گرسنگی سبامی
زندگشان را فرا گرفته بود، بر دمی که
حاجل دسترحسان سببها غارگران
سن الطلی و سببها داران داخلی
می‌رفت ولی خود از اسدانی سبب
انگات زندگی محروم بودند،
بر دمی که سقف حایفها بر سران
خراب می‌شد و مرگ و گرسنگی کودگان
سنان را به حسم می‌دیدند. و هدف
این سببها نکتت سوحید رهائی
این بوده بود.

با آزادی و برابری را برای سوده‌های
محروم به ارمغان آورد و رهائی آنان
را در جهت تحقق جامعه‌ی بی‌تبعی
نوحندی سوبد دهد. رهائی
سوده‌های در حتمتکی که در دوران
دیگتاتوری سناه انواع سناها را حمل
کرده و فقر و گرسنگی سبامی
زندگشان را فرا گرفته بود، بر دمی که
حاجل دسترحسان سببها غارگران
سن الطلی و سببها داران داخلی
می‌رفت ولی خود از اسدانی سبب
انگات زندگی محروم بودند،
بر دمی که سقف حایفها بر سران
خراب می‌شد و مرگ و گرسنگی کودگان
سنان را به حسم می‌دیدند. و هدف
این سببها نکتت سوحید رهائی
این بوده بود.

و ما مادران جنوب شهر که در
طنی سالیان سبامی این محروم سناها را



مادران مجاهد عباس داری و احمد حسیف زاهد، بر مزار
بنیانگذار کبیر سازمان مجاهدین خلق ایران

حسادار بودند و با دل‌ناس رستی
سروج به سببها داری هوایی کردند.
فضایی که این عده سعی در بوجود
آوردن سببها، به عناصر حفاقدار
انگات می‌داد تا حلال و سببها

خود را در بر جری از حامت سبب
سحسند. سناها عناصر فالانز دستگیر
سده به ما بورس کمیته‌ها حویل داده
سند ولی لافاصله آزاد سده و
قیقه در صفحه ۷

در حاشیه‌ی مراسم شهدای ۴ خرداد

برادر مجاهد احمد حسین زاهد در
میان شور و استقبال هواداران با
سغارهای "ماهه حاسی نوام مجاهد"
"با ساسین مجاهد" "حون حنیف
می‌خوسد" مجاهد می‌خروشد"
خوانده شد.

و آنگاه خواهر مجاهد شهید
علی اصغر بدیع زادگان پشت تریبون
قرار گرفت و در تحلیل از
بنیانگذاران سازمان مجاهدین خلق
مقاله‌ی قرائت کرد.
بعد از بخش سرود مبین
شهیدان شرکت کنندگان با دادن
سغارهایی نامسند:
حمایت از مجاهد، می‌د با
امریکاست.

بقیه در صفحه‌ی اول

گزارش مراسم تجلیل...

دوستان احساس می‌کنیم دانست.
این مراسم با شرکت بیش از
پنجاه هزار نفر از هواداران سازمان به
دعوت خانواده‌های شهدای ۴ خرداد
برگزار گردید.
هواداران با قدم گذاشتن به
قطعه‌ی ۳۳، اول بر سر مزار بنیانگذاران
شهید رفته و با تجلیل از آنها،
عهدی که در ادامه‌ی راهشان بسنه
بودند، تجدید می‌کردند.
در اطراف مزار شهیدان عکس-
هایی از امام خمینی - بدر ظالمانی
بنیانگذاران سازمان و ۴ سن
از اعضای کادر مرکزی
و یلاکاردهائی که تمام "مصون ضد
امریکایی دانست سببها می‌ند.

و ما در اینجا سببها می‌ند
این یلاکاردها را می‌آوریم:
"تمام بدیخنی‌های ما از
امریکاست- امام حسینی
فریاد بنیانگذاران سازمان
مجاهدین خلق: الله اکبر- اسلام
بیروز است، امریکا نابود است."
راه رهائی ریحبران از میدان
خونبار علیه امپریالیسم می‌گذرد."
وحدت تمام امتار خلق در
نبرد علیه امریکا"
نستت و نفرته‌ی نیروهای
خلق بزرگترین سلاح در دست

پیام مجاهدین خلق ایران به مناسبت چهارم خرداد

هشتمین سالگرد شهادت بنیانگذاران سازمان مجاهدین خلق ایران

بمقام خدا

«ها انتم هولاء تدعون لتنفقوا فی سبیل الله فمنکم من یبخل و من یبخل فاما یبخل عن نفسه واللہ العسی و اتم الفراق وان تنولوا یتبدل قوما غیرکم ثم لا یؤکفوا امثالکم»

... اکنون این شماید که به اتفاق (از جان و مالتان) در راه خدا دعوت می‌شوید (ولی در پاسخ به این دعوت) برخی بخل می‌ورزند، (در حالیکه) هرکس بخل ورزد، بی‌تردید به (تکامل و آزادی) خودش بخل ورزیده است. زیرا خدا (برای پیروزی راه و اراده تکامل بخشش) بی نیاز است، در حالی که شما (در جهت آزادی و کمال خود) محتاج (حرکت و مبارزه) هستید. اگر شما از این راه (مبارزه و جهاد) رویگردان شوید، کسانی را جایگزین شما خواهد کرد که همچون شما نخواهند بود (در سیر خدا و خلق گام برمی‌دارند).

مجاهدین خلق ایران خاطره‌ی تابناک شهیدان بنیانگذار حرکت انقلابی و مکتبی خویش را که هشت سال پیش در سپیده دم چنین روزی به خاک و خون غلطیدند، گرامی می‌دارند. رادمردان استوار و پاکبختانی که در شبهای سرد و تاریک سالهای حقیقت‌آورد بعد از کشتار ۱۵ خرداد، شعلهای از شور و مقاومت برافروختند و جوانهای امید و ایمان به انقلاب را در قلبهای مستعدترین و فداکارترین فرزندان این خلق پرورش دادند. شهیدانی بی‌گناهم و والا مقام که در سیاه‌ترین شرایط دیکتاتوری پلیسی، بنیاد یک مبارزه‌ی پیروزمند انقلابی، حرفهای، مکتبی، سازمان یافته و مستثنی بر ایدئولوژی توحیدی را بر رویانده‌اند تا گامهای خلق ما، پی‌ریزی کردند.

آری! مجاهدین شهید محمد حنیف‌نژاد، سعید محسن، اصغر بدیع‌زادگان، محمود عسکریزاده و رسول مشکین‌فام در زمهری صالح‌ترین عناصری بودند که در پرتوی درک عمیق از مبارزه و به انگه صدافت انقلابی خویش، موفق به شکستن بیست ساله‌ی میهن ما در آن دوران شدند و به گفته‌ی پدر انقلابی «راه جهاد را گشودند» جهادی شوگه‌مند و بی‌گیر که نه تنها آزادی یک خلق تحت ستم را دنبال می‌کرد، بلکه همچنین رسالت سنگین آزادی یک مکتب را نیز به دوش داشت. مکتبی که انبوه فعالیتات و حرفه‌های طبقاتی، چهره‌ی اصیل انقلابی و صداقت‌مندی آن را یوشانده بود. به این ترتیب اگرچه پس از سرکوت مقاومت خویش خلق در ۱۵ خرداد و تبعید پرچمدار آن امام خمینی، دیگر کمتر کسی در صحنه‌ی مبارزه باقی ماند، لیکن نقطه‌ی اصل‌ترین و تکامل یافته‌ترین مبارزات میهن ما، در بطن همین تجربه بسته شد. در شرایط بعد از همین کشتار بیرحمانه بود که پیروزترین انقلابیون پاکباز که پرچمدار ایدئولوژی توحیدی بودند، ساخته و پرداخته شدند. آنها پیروز عبور از این گذرگاه خویش و با مطالعه و تعمیق در مبارزات ۲۵ ساله‌ی اخیر ایران - اسارت‌ترین تفکیر سیاسی مبارزات گذشته را بررسی کرده و علل اصلی شکست را مشخص نمودند. انگه ما عزمی راسخ در مسیر برافراشتن پرچم مبارزه‌ی مسلحانه انقلابی و احیای «ایدئولوژی حون و خدابهرستی» پیش رفتند، تا بدین ترتیب با جانفشانیهای قهرمانانه‌ی خود نفس حیات رو به افول خلق ما را به طیش درآورده و بار دیگر زندگی را در مفهوم حسیب‌اش تحریر نمایند: «ان الحیوه عقیده و جهاد».

از این رو آغاز مبارزه‌ی مکتبی و انقلابی توحیدی که راه آن به وسیله‌ی بنیانگذاران سازمان مجاهدین خلق ایران گشوده شد، یک نقطه‌ی عطف و تحول تاریخی مهم در روند مبارزات طولانی خلق ما بشمار می‌رود. جهش و تحولی که از پیدایش کیفیت نوین در شکل و محتوای مبارزه‌ی ایران خبر می‌داد و هر فرد یا گروه انقلابی برای بقا خود می‌بایست متناسب با آن، شیوه‌های جدید کار را برگزیدند. و چنین بود که سازمان مجاهدین خلق ایران به مثابه‌ی یک تشکیلات انقلابی توحیدی، تبلور شرایط ذهنی و سیاسی مبارزه‌ی اند که از متن ضرورت‌های تاریخی - اجتماعی و سیاسی میهن ما، جوشیده بود. درست به همین دلیل خلق قهرمان ایران نیز مقاومت و خشم فروخورده‌ی خود را در وجود آن مجسم دید. سکوت مرگبار آن زمان با صفیر گلوله‌ها و انفجار بمب‌ها و فریادهای قهرمانانه در پیدادگاهها، شکجه‌ها و میدانهای اعدام شکسته شد. مظهر آن اینها درخش مجده ایدئولوژی انقلابی و اصل اسلام بود که از انبلائی گرد و غبار قرنها تحریف و سواستفاده‌ی ارتجاعی طلوع کرد تا بار دیگر فارغ از همدی زنگارهای شرک‌الود طبقاتی در جایگاه راستین خود یعنی قله‌ی انقلاب و ترقیخواهی بدرخشید. قرآن و نهج‌المبلاغه و دیگر آموزشهای اصیل اسلامی که مدت‌ها بدست فراموشی سپرده شده بود و جانی در متن زندگی سیاسی جوانان انقلابی نداشت چون سلاصهای ایدئولوژیکی برندهای مجددا در دستها قرار گرفت... و خلاصه سازمان مجاهدین خلق و دستاوردهای تشریف آن (به خصوص در زمینه‌ی ایدئولوژی) به نقطه‌ی امید روشنفکران مسلمان میهن ما در میدان سرد درازمدت ایدئولوژیها تبدیل شد. دستاوردهایی که ما پرده برداشتن تاریخی از حقیقت اسلام، در یک کلام تنها اسلامی را واقعی و اصیل یافته است که بر روی محور انقلاب و ترقیخواهی در نقطه‌ی بالاتر و متکامل‌تر نسبت به همدی مکتب قرار دارد. بر اساس همین درک انقلابی است که بر استنباطات بی‌محتوای حرده‌سرمایه‌داری از اسلام، مهربان زده شد. استنباطاتی که بارها آزمایش خود را پس داده و عجز کاملشان در حل مسائل اجتماعی به اثبات رسیده است.

مجاهدین با تکیه بر تمام این میراث خوینار بود که راهگشای چشم‌اندازها و ارزشهای نوینی شدند. ارزشهایی که خلق ما گام به گام حقانیت آن را احساس می‌کرد و به همین دلیل بلافاصله پس از اعلام موجودیت سازمان در سال ۵۵، ستایش و حمایت بیدریغ خود را نشان کرد. به این ترتیب «مجاهدین خلق» در قلب بسیاری از مردم جا گرفت و امید و اعتماد توده‌های آگاه را برانگیخت، اعتمادی که به

بدون شک درک عمق عظمت و شکوه فداکاری‌ها و پایداری‌های قهرمانان نه‌هزاران خواهر و برادر رزمنده ما در اقصی نقاط این میهن، که همدی جز دافع و پاسداری از آرمان توحیدی مجاهدین نداشتند، هنوز برای نسل حاضر زود است. بگذار تا در نسلها و دورانی بعد، زمانی که تکامل تاریخ ایران سدهای پریا و عوامفریبی را نیز مثل موانع سابق از جلوی پیش برداشت، این فداکارها و مدافعان شرافتمندانه روشن‌تر بدرخشند، تا آنگاه معلوم گردد چه کسانی در سنگر ایستادند و از حرمت و شرف انقلاب و اسلام دفاع کردند و کدام دسته‌ها این ارزشها و خونهای نثار شده را خوار داشتند.

به آن دلیل بود که ما با واقع‌گرایی تمام به اصالت عقاید و حقانیت راهمان تا بن استخوان معتقد بودیم. آنچنانکه هیچ فتنه و هجومی نمی‌توانست ما را نسبت به آنها به تردید بیندازد. حتی ضربتی اپورتونیستیهای چپ‌ها در سال ۵۶ که به مثابه‌ی سخت‌ترین بحران ممکن، مجاهدین را در معرض یک آزمایش سهمگین ایدئولوژیکی قرار داد، هرگز نتوانست استقامت و ثبات قدم توحیدی مجاهدین واقعی را دچار تزلزل سازد. بعکس ما طی این آزمایش بیش از پیش به حقانیت خطوط و دیدگاههای بنیادی سازمان پی بردیم. دیدگاههایی که درک عمیق آن آسیت‌ناپذیری ما را در برابر سخت‌ترین ضربات آینده سیر تا مین می‌سازد. خروج سرفرازانه از این آزمایش بزرگ، نشان داد که هیچ ضربتی نمی‌تواند مجاهد خلق را از مواضع یکتا-پرستانه‌ی انقلابی‌اش به زیر کشیده و دچار عقبرگرد و ارتجاع سازد.

بنابراین وقتی اینچنین به اصالت توحیدی ایدئولوژی ما عقیده‌مندیم، چه باک از ضربات آبی جز اینست که «هر ضربتی که ما را تشنگد سراج‌مردمان خواهد داد؟» و چنین است که تهدیدات، توطئه‌ها و نجات‌میلار گسترده‌ی وحشی که امپریالیستها و ایادی داخلی و ایسگرای آنها بلافاصله پس از پیروزی انقلاب بر علیه مجاهدین خلق طرح‌ریزی کردند، نه تنها نتوانست ما را نابود کند بلکه عزم ما را در ادامه‌ی راهمان راسختر و حقانیت ما را برای توده‌ها آشکارتر ساخت. طی این مدت سازمان ما با جشن از همدی دماهای مهلکی که بر سر راه آن سپین کرده بودند، از یکی دیگر از مفاصل پیچیده و تعیین‌کننده‌ی حیات خود سر بلند و رستگار میروم آمد. امروز دیگر سدهای قطوری که وایسگرایان به وسیله‌ی عوامفریبی و اسلام‌پناهی و جنایت بین نیروهای انقلابی و مردم ایجاد کردند در شرف فرو ریختن قرار گرفته‌اند. دشمنان درونی و بیرونی خلق ما توسل به افترا و تهمت می‌خواستند به خیال خام خود تارهای حیاتی ما، یعنی پیوندهایی را که با قلب و ضمیر تک تک مردم ما داریم، قطع کنند. آنها قصد داشتند از طریق تحریک و بدبین کردن مردم، مجاهدین را منفرد و ایزوله نمایند. تا بدین طریق زمینه را برای قلع و قمع و سرکوت نهایی انقلابیون فراهم سازند.

لیکن مجاهدین با مقاومت و موضع‌گیریهای اصولی خود، مضافا بر وجود زمینه‌های آماده‌ی خلق و تهادهای جوانان اجتماعی به تنها بسیاری از این توطئه‌ها را خنثی ساختند بلکه با حضور فعال و شایسته خود در متن صحنه‌ی سیاسی جامعه و جلب اعتماد افشار وسیعی از مردم آگاه و انقلابی، گامهای تاریخی بسیار مهمی در جهت تضمین پیروزی نهایی انقلاب رهائی بخش ضدامپریالیستی خلق برداشتند. گامهایی بسیار نویدبخش که خون دهباشید و هزاران مجروح، در مسیر آن نثار شده است. امروز هزاران هزاران مرد و آگاه، مصمم و انقلابی راه رزمندگانی را دنبال می‌کنند که در شرایط دشوار امتحان خود را پس داده‌اند. حتی اگر برای خدشدار کردن یا پوشاندن چهره‌ی پاک این پیشگامان آنان را با دهباش مارک و برجسته بیالایند، باز هم خلق، قهرمانان و سملهای مقاومت خود را ستایش خواهد کرد. گمانیکند که جریان ساروی ضد-دیکتاتوری تحت رهبری امام خمینی، دروغ‌پرازیها و تبلیغات زهرآگین رژیم شاه هرگز نتوانست مانع از این شود که مردم قهرمان ما حمایت و ستایش پرشور خود را نشان بدهند. تمام این حملات و افتراات و ایسگرایانه علیه مجاهدین نشان می‌دهد مواضع ایدئولوژیکی ما که ادماهی همان خطوط بنیانگذاران سازمان می‌باشد، تا چه حد اصیل، برحق و حفظ کردنی است. لذا بایستی بهای حراست از آنها را هر چند هم که سنگین باشد، بپردازیم.

از این رو بار دیگر در هشتمین سالگرد شهادت بنیانگذاران این راه بر میثاقی که با خدا و خلق و با شهیدای بخون فتنه‌ی خویش بستیم، تاکید می‌کنیم و سوگندی حوریم که در مسیر اعاده‌ی حقوق انقلابی و خلقی و مصون داشتن آرمان انقلابی توحید از هرگونه اعوجاج و سواستفاده یک لحظه از پای نمی‌نشینیم.

بدون شک درک عمق عظمت و شکوه فداکاریها و پایداری‌های قهرمانانه‌ی هزاران خواهر و برادر رزمده‌ی ما در اقصی نقاط این میهن که همدی حر دفاع و پاسداری از آرمان توحیدی مجاهدین نداشتند، هنوز برای نسل حاضر زود است. بگذار تا در نسلها و دورانی بعد، زمانی که تکامل تاریخ ایران سدهای پریا و عوامفریبی را نیز مثل موانع سابق از جلوی پیش برداشت، این فداکارها و مدافعان شرافتمندانه روشن‌تر بدرخشند، تا آنگاه معلوم گردد چه کسانی در سنگر ایستادند و از حرمت و شرف انقلاب و اسلام دفاع کردند و کدام دسته این ارزشها و خونهای نثار شده را خوار داشتند.

بی‌تردید سرانجام همدی ستها و مواضع رستگاری خلق قهرمان ایران مطلوب ارادتی تکامل خواهند شد و پرچم مبارزه‌ی انقلابی توحیدی که با خون شهیدای بزرگوار و چون حنیف‌نژادها و سعید محسن‌ها و رعاشی‌ها و امینی‌ها... سرچ گشته است همچنان در پیشانی عالی‌ترین و متکامل‌ترین انقلابان صد استقامتی و رهائی بخش تاریخ به اهتزاز درخواهد آمد. آن زمان پایان هرگونه سلطه‌ی استعمار، استبداد، وایسگرای و استثمار است.

جاودان باد خاطره‌ی تابناک شهیدای چهارم خرداد
مرگ بر امپریالیسم جهانی سرکودگی امریکا
سرفراز شده باد پرچم آرمان انقلابی توحید
مجاهدین خلق ایران ۵۹/۳/۴

بهای روح و خون صالح‌ترین انقلابیون این سرزمین یعنی بنیانگذاران سازمان بدست آمده بود. سازمان مجاهدین خلق ایران طی این سالها در زیر شدیدترین ضربات و فشارهای نظامی رژیم شاه، با دادن صدها شهید و اسیر از میان ارزنده‌ترین گادریهای خود، روز بروز رشد و استحکام بیشتری یافت و به عنوان محور جنبش انقلابی مسلحانه و به ویژه جنبش ترقیخواه و انقلابی اسلامی تثبیت شد.

پیام گام‌نویسان و بلاغ‌اندیشه‌های شریعتی به مناسبت ۴ خرداد

خداوند متعال
ای قائم به قسط در زمین، ای مجاهد مسلمانی خود ساخته بر خلق و حوی خدا وار است. بر سر راه سائران بی‌اشکال، انسان محدودی که باید شاهد حوی رمان و شهید حقیق جهان آسای بدی صالح خدا که در این قطع است جدائی کنی، ای حنیف‌نژاد که از طواف عسوی سعی آت، منزل آگاهی و خودآگاهی و سعی سبک ترک و مهربانیت اسامیل باز میگردد و لوی فلاح‌حیی خود انراهم و بنام فرآن و دیوالنفاذ علی را با حویس داری و گره‌های از آت بریم. سومات آور-های، لحنهای درک کن و به انان و بیعتت سمدیس (حج - معلم سعید شریعتی -)

کانون اطلاع اندیشه‌های شریعتی در سالروز شهادت بنیانگذاران سازمان مجاهدین خلق ایران صحن بزرگداشت یاد شهیدای برادر حنیف، از ارزشهای تحلیل می‌کند، و از اسامیهای بزرگ و روحهای سرورمندی که در حالی که اسیر بوده‌اند، بظلمت در حلاله، عقده‌ها و بناتن ایجاد می‌کرده است. آری به غیر معلم انقلاب آه ای رفیعان من ای سرخ گلپای عطر آگس که از گلزار بدر واحد و کربلا و برج العتراء و سنا و حلال و سالفعتدر و لیان و تل رفیر جدا شده است. ای سلو قهرمانی که از مردان این زندگی لحن سرزده‌اند، بی‌الاس آت و گلبرگهای وجودتان را در ریز باران نور و باش جور شد بهی جدا شده است و در ایامی که همه لحن‌جواز جدا شده گرم‌وار در مرداب‌های عفن سلولند همه آفتاب، گریزد، سرساک سمد می‌بوند و با سره نفس جبروتان را سر می‌دارید و حون خلق را در رگهای جانان بی‌دوایند و در نسیم صحنی که بوی آسائی دارد و سک و بیعام جدا پندی و هر اماندار از دوست شما را سلام عس می‌رساند و صدای شهادت می‌دهد. دم می‌رسد آری ما و همدی نیروان را زمین راه معلم - مجاهدین را سرجاز از اس همه آرزین، را بخون در علم، امید آمده‌ی صحنه، در راس نیروهای شریعتی مکتبی، می‌داسم و استوار محتوی مکتبی و عس حرکت سمد حمال و سررا کوچک‌حال و مجاهدین الحراس و فداشون فلسطن، لذا بر

کانون اطلاع اندیشه‌های شریعتی
توح صریات و فراز و نشیب‌هایی که در این مدت با آنها روبرو گردیدیم، محتاج فرصت دیگری است، لیکن به منزله‌ی ادای دین نسبت به روح شهیدان بنیانگذار سازمان در سالگشت آنها لازم است تاکید کنیم که:

ما چه در جریان ضربات سخت نظامی - تشکیلاتی سال ۵۵ و چه در مجموعه تلاشی یعنی در آن ایامی که اپورتونیست‌های چپ‌ها و مرتجعین راست، هر یک با منطق خاص خود بر آن شدند تا سازمان مجاهدین را در نهایت ایدئولوژیکی نفی و نابود سازند، و چه در اوج حملات ردیانه‌ی وایسگرایان در ایام حاضر، به تنها درهای از مواضع و اصول اعتقادی خویش عدول نکردیم، بلکه فاطح‌تر و مستحکم‌تر از پیش بر خطوط بنیانگذاران سازمان پای همدیسم. این

شهدای ۴ خرداد از زبان برادر مجاهد موسی خیابانی

خصوصیات بسیا نگذاری

دربارهی شهدای چهار خرداد که اسال با بزرگداشت هفتمین سالگرد شهادتشان باز دیگر عهد و پیمان خود را در فصال خدا و خلقان و در برابر شهدایمان می برادهمی راهشان تجدید و تاکید می کنیم، گفتمی زیاد است. آنچه که در این مختصر درباره ی بنیانگذاران سازمان بهتر است گفته شود، همان خصوصیت "ساینگداری" است، یعنی بی بریزی یک حرکت جدید و کفایت ممتاز و سباز از آنچه که موجود بوده، یعنی کنون یک راه جدید. بنیانگذاران سازمان یعنی برادران شهید محمد حنیف نژاد، سعید محسن، اصغر بدیع زادگان، با این ویژگی از سایر برادران شهید ما و کلا از دیگر شهدای انقلاب رهائی بخش خلقمان متمایز می گردند که در این میان به خصوص باید بر نقش برادر شهیدمان حنیف نژاد تاکید شود.

شاگردان دلدادهی مکتب قرآن

"امروز برای تحلیل از شهدایی جمع شده اید که از خون پاک آنها پس از هفت سال سیلابها برخاستند، همانها که برای درهم کوبیدن شرک و بتها و افامی توحید بیاختسند... آنها شاگردان موسی و دلداده ی مکتب قرآن بودند و گوهرهایی بودند که در تاریکی درخشیدند. حنیف نژاد، بدیع زادگان، عسگری زاده، مشکین-فام، ناصر صادق از همین نایندگان بودند، اینها راه جهاد را گزیدند... درود و رحمت خداوند و همی توفیق شما برادران و فرزندان عزیز را برای تکمیل اندیشه های قرآنی آنها می طلیم و امیدوارم با تجربات فکری و عملی، شما هر نقصی و کمبودی را جبران کنید و این انقلاب عظیم را بیشتر و بهتر و شگرفتر به نمر برسانید."

برادران بنیانگذار سازمان و نیز دیگر برادرانی که در تکمیل و تحکیم این حرکت جوان و نوپا با نهایت ایمان و اخلاص کوشیدند و منجمله برادران شهید رسول مشکین-فام و محمود عسگری زاده نهایتا با شهادتشان در چهارم خرداد سال ۵۱ و به دنبال ماهها مقاومت در برابر وحشیانه ترین فشارها و شکنجه های ساواک، ایمان و صداقت خود و بر حقانیت راهشان گواهی دادند.

کارگردانان رژیم شاه و زعمای ساواک در اواخر به حنیف نژاد پیشنهاد کردند که اگر او یکی از سه خواسته ی آنها را بپذیرد و اعلام کند خود برادران را از مرگ می رها کند، مضمون این سه ساله مورد نظر رژیم یکی رد مبارزه ی مسلحانه به استناد آیات قرآنی، دوم پذیرش این مطلب که مخالفت و صدمت و جنگ در اسلام بایستی با کسانی باشد که به خدا معتقد نیستند (و نه با امثال شاه که "مسلمان" است و یا امریکائیها که "به خدا اعتقاد دارند") و سوم گرفتن کمک از عراق و احاطت بود، غافل از این که بیچاره ها نمی فهمیدند که مجاهد خلق برای شهادت آغاز حرکت کرده است و هرگز تن به تسلیم و سازش نمی دهد.

"مسعود"

و تحمل باری سنگین

شهید سعید محسن که من تا چند ساعت پیش از اعدام هم سلول او بودم (همان سلولی که استکباران برادران سعادت در آن زندانی است) با حالتی پر نشاط و عرفانی شهادت را انتظار می کشید و در عین حال از ارائه ی رهنمود آموزشی برای ما در آخرین ایام عمرش نیز غافل نبود و سعید چه خوب آینده را پیش بینی می کرد، به طوری که روزی در

بنیانگذاران سازمان در پرتو ایمان و درایت خود و از طریق جمع بندی مبارزات گذشته و علل شکست آن، بدانها رسیدند و البته مهمترین ارجمه التزام به این اصول و عمل کردن به آنها بود که می توانست بیست موجود را به طور عینی و واقعی بسکند که برادران بنیانگذار سازمان با تمام تنوع و صبور و شکیبائی انقلابی بدان قیام کردند و چنین بود که حرکتی جدید و سازمانی نوین شکل گرفت. سازمانی که اساسی ترین ویژگی آن همان انکاء، به ایدئولوژی اسلام انقلابی بود و به این ترتیب راه جدیدی گشوده شد. جا دارد به کوششی از پیام پدر طالغانی که بازسال در بزرگداشت شهدای چهارم خرداد ایراد فرمودند اشاره کنیم:

"اصغر"

قهرمان تحمل شکنجه و پیام آور امید

شهید اصغر بدیع زادگان از قهرمانان تحمل شکنجه بود که در آن روزهای سخت به ما امید و قوت قلب می بخشید، کسی که جلادان برای بردن محکومین به میدان اعدام آمده بودند، صدای او را شنیدیم که در حالی که وضو گرفته و از دستنوشتی بر می گشت، با صدای بلند در حین عبور از جلوی سلولها می خواند "الله و الله و الله را جعون". راستی آن شب تاریخی و فراموش نشدنی است و گمان می کنم زندان اوین هرگز چنان سبی را به خود ندیده بود. برادران-نمان شجاعت و قهرمانانه به میدان ترمی رفتند، شب از فریادهای تکبیر و شعارهای آنها به خود می لرزید از فریادهای آنها جلادان و دژخیمان ساواک به خود می بچسبیدند، فریاد هائی که طلوع صبح را نوید می دادند

"رسول"

راهگشای اردوگاههای فلسطین

رسول نیز خود یک راهگشا بود او بود که در سال ۴۹ راه ما را به سوی اردوگاههای الفتح گشود. در آن ماههای سخت و پرمیاجرا هر جا که بی یستی پیش می آمد، در آنجا قدم و قامت رسول پیدا می شد. نازه از اردوگاههای فلسطینی برگشته بود که

دستگیر شد. دژخیمان ساواک که رسول را به عنوان رهبری کننده و مسئول تمام عملیات و حرکات سازمان در خارج می شناختند، او را برای گرفتن نشانی و آدرسهای برادران خارج از کشور زیر فشار و شکنجه قرار دادند و رسول گفت "اگر هم می دانستم هرگز آنها را به نما نمی دادم" وقتی مجاهد شهید "علی باقری" اعدام شد، رسول که آن روزها خود نیز در انتظار شهادت بود قطعه شعر زیبایی برای وی سرود.

و بالاخره از محمود یاد کنیم، از شهید عسگری زاده، برخاسته از میان توده ی محروم و درد آشنا که دژخیمان ساواک را به سنگ آورد. او که در سالهای ۴۹ تا ۵۰ بخش اطلاعات سازمان را رهبری کرده بود نام و نشانی بیش از ۱۲۰۰ ساواکی را به همراه اطلاعات زیاد دیگری بدست آورده و جمع بندی کرده بود که وقتی بدست ساواکیها افتاد همگی وحشت کردند و به انتقام گیری سیاهنای از محمود پرداختند ولی سرانجام محمود با لب گنگون و مقاومت خود بر آنها پیروز شد، شهیدان همگی و همیشه پیروزند، یادشان گرامی باد.

حراست

میراث خونبار شهیدان

بنیانگذاران رسالت "بی بریزی" را انجام دادند و اینک رسالت "بی گیری" بر عهده ی ماست و اینک ما هستیم که باید میراث خونبار آنها را از دستبرد تجاوز حراست کنیم، دستبرد و تجاوزی که اتفاقا در عین گرامی داشت ظاهری آنها، صورت می گیرد، بدون شک اگر خود آنها امروز زنده بودند، در معرض بی پروا - یانه ترین نهتتها و افتراها و وحشیانه ترین حملات قرار می گرفتند همانطوری که امروزه میراث و وارثین واقعی ارزشهای خلق شده توسط آنها در معرض این تجاوزات قرار دارند، چرا که آنها پیام آور رسالتی جدید هستند و بنیانگذاران راهی جدید که منابع، موفقیتها و موجودیتهای زیادی را در معرض تهدید قرار داده است چرا که آنها انقلابیان اصل و مسلمانی بودند که از ایدئولوژی زده اند و در آن "گشتی" قابل بخشش نیست!!

پیام کانون زندانیان سیاسی

سالگرد شهادت پنج مجاهد خلق گرامی باد

در سحرگاه خوسین چهارم خردادماه ۱۳۵۱ صفر گلوله های جلادان رژیم شاک شاهنشاهی و اسسه امیرالسمک امریکای این زاندارم بن الطلی و حقای سرمایه - داری جهانی - در ارض وطن ما طس افکند و بیخ شکوفه ی سرخ که بر بدن برعظی کوسر روید رند حرکت انقلابی خلق را به امیرالسمک جهانی اخطار کرد.

سحرگاه خوسین چهارم خرداد سحاه و یک، سحرگاه شهادت یک تاریخ بود. در آن روز تاریخ - یکار دیگر به این شهادت بست که نعلدهای خون به رودی در بیکر شامی خلق مشعل خواهد شد و ظومار منابع امیرالسمک و دست - سازگاشی را درهم خواهد پیچید. در سحرگاه چهارم خرداد ماه تاریخ به این شهادت بست که پیروزی هر انقلاب دارای دو جزا مکمل است و این که انقلاب توده ها در عمل از شهادت قهرمانان پیشار واقعی خلق قابل افتقاد هست. نبود، منطبق انقلاب است و گراش.

بقیه از صفحه ۳

سخنرانی برادر مجاهد عباس داوری

در ابعاد حلی وسیع به فقط بر سر برارسان بلکه درهمه ی شهرهای ایران نسلی جدید متناق می کند که تا خودی تحلیل می کنند، راهش و سازمانش را می گویند. رهبری سازمان را با نهتتهائی که فقط در شان خودشان هست، می گویند. راسی همین پیشینی را سعید هم داشت به من گفت به مسعود بگو که تمامی تحلیلها و شناها را کنار ما خواهند کرد و همی نهتتها و افتراها را به تو خواهند بست و هزاران بار تو را شهید خواهند کرد. راستی واقعیت غیر از اینست؟

خواست ما و خواست مرجعین

با توجه به مسائل روز که هر روز خودتان شاهد هستید و گوشه ای از آن را ناظر هسید یعنی اینکه حتی می خواهند رابطه ی ما را با شهدای مان قطع بکنند و به طوری که گفتم فقط از شهیدمان یک "مرد" بسازند و نه راهشان. هر روز توطئه های زیادی بر علیه سازمان و هوادارانش در شرف کوسن است. اگر یادان باشد در سباز فرسنگی، برادران مسعود درجوی این سوال را طرح کرد که "مقامات دولتی با توطئه ها چکار خواهند کرد؟" یعنی ماه خرداد را برای ما ماه سرنوشت

اشتیاق دیدار و تجدید میثاق

و ما امروز جمع شده ایم که هم الهام بگیریم و هم تجدید میثاق بکنیم. آن روز چند نفر بیشتر نتوانستند لبهای تبارشان را ببوسند و عهد ببندند اما امروز در ابعاد خیلی وسیع نه فقط بر سر مزارشان بلکه در همه ی شهرهای ایران نسلی تجدید میثاق می کنند.

"اولئك خلفاء الله فی ارضه والدعاه الی دینه اه اشوق الی رویتهم"

این سوال را تکرار می کنم که در ماه خرداد با ما چه خواهند کرد و ما نوحه به اسناد و مدارکی که ما داریم و حاضر هستیم آن را در دادگاه علی رو بکنیم، دستنهائی که به این توطئه ها می خواهند دامن بزنند رو بشود. مشخصا بعد از تعطیلی دانشگاه نوبت، نوبت مجاهدین است. اما این به این معنی نیست که در واقع مجاهدین از پای بنشینند و همینطور که در روزنامه ی مجاهد ذکر شده بود ما نهایت سعی خودمان را خواهیم کرد تا آنجا که به ما مربوط است راه صلح را پیش بگیریم و ما امیدواریم که جنس ما تحت رهبری امام بتواند به مبارزه ی ضد امپریالیستی خودش ادامه بدهد و جلوی این توطئه ها را بگیرد و جنگ داخلی پیش نیاید. این خواست ماست تا خواست مرجعین و اوسگرا چه باشد؟! موفق باشید

پیام ما در مجاهد شهید عبدالرسول مشکین فام به مناسبت ۴ خرداد

بسم الله الرحمن الرحیم سلام من به همه ی خواهران، فرزندان و... در سالگرد شهادت فرزندم، مجاهد شهید عبدالرسول مشکین فام و سایر فرزندانم حنیف نژاد، بدیع زادگان، سعید محسن و عسگری زاده که همگی در زمانی که سابه ی ظلم بر سر مردم گسترده بود، در راه خدا برای آزادی وطن وظیفه ی اسلامی خود را به نحو کامل انجام دادند و زیر بار سنگ نرفتند و حتی شهادت را برگزیدند.

آنان راهمان بودند، به مثابه ی کسانی که چراغ را جلو گرفتند و بقیه هدایت آنان، آنها چراغ راه هدایت مردم بودند و بدین ترتیب هدف رسول و دیگر شهدای این بود که مردم زیر بار یوغ استعمار نروند. بله، هدف رسول و دیگر شهدا این بود که مردم زیر بار یوغ استعمار نروند و دینشان را به دنیا نغروشند، آنها ریاست نمی خواستند، آنها برای اسلام و برای رفاه مردم در این راه رفتند، رسول برای مردم بیچاره خیلی می گفت، و می گفت: "تا کوهی خراب نشود، کاهی به ما نمی رسد"

ما در مجاهد شهید عبدالرسول مشکین فام

بقیه زصفحه اول

فعالیت ۱۵ ماهه امداد پزشکی مجاهدین درمانگاه کودکان عربها

زیاد شدن مریض چون سبب باسیدیگی و بی نظمی قلبی نبود. کارمان بهتر شد. اواسط زمستان به خاطر باز شدن درمانگاه‌های دیگر و همچنین فعال شدن مرکز امداد به اجاز درمانگاه کودکان را بگروور در میان کردیم کارها روزهای فرد از ۲ الی ۵ بعد از ظهر است. روزانه بطور متوسط ۵۰ مریض را ویزیت می‌کنیم و بین ۳۰ تا ۴۰ مراجعه برای تزریقات و پانسمان داریم.

مرکز امداد پزشکی مجاهدین خلق با همکاری امداد یکدیگر از شکسته - گاه‌های سابق ساواک بوده که در دوران انقلاب توسط یهودی مردم تصرف و به آتش کشیده شد. این ساختمان بعد از انقلاب با تلاش برادران مانوسازی شد و با کوشش چندین ماهی مسئولین و صرف صدها هزار تومان آن را بصورت یک مرکز خدمات پزشکی و درمانی به حدت گرفتیم که حدود ۶ ماه قبل فعالیت خود را با پذیرش بیماران سرپایی آغاز کرد و کم کم گسترش یافت. از عمده ترین فعالیت های این مرکز، پذیرش بیماران بستری کردن، پیگیری کار بیماران در بیمارستان‌ها تا رسیدن کلیه نیازهای درمانگاه‌های مجاهدین در جنوب شهر، بستری کردن بیماران که از درمانگاه‌های فوق الذکر معرفی می‌شوند و هماهنگی فعالیت‌های امداد و امداد رسانی در سطح کشور است. تشکیل کلان‌های کمک های اولیه در کنار دیگر فعالیت‌ها از اهمیت ویژه برخوردار است.

این مرکز هر روز صبح از ۱۲-۸ و بعد از ظهرها از ۴-۲ باز است و بیماران اورژانس از ۲۴ ساعت می - پذیرد. بیماران از ۸ صبح تا پنج عصر مراجعه می‌کنند و در سالی انتظار به آنان سوت داده می‌شود؛ پس از ویزیت نسخه‌ی دارویی توسط داروخانه بپیچیده می‌شود و در صورت نیاز به تزریقات و پانسمان به قسمت مربوطه مراجعه می‌کنند. داروهایی را که نداشته باشیم خود مریض در صورت توانایی می‌خرد و گرنه مرکز امداد از داروخانه خریداری و در اختیارشان می‌گذارد.

لازم به یادآوری است که چون کلیه خدمات اعم از ویزیت، دارو، آزمایشگاه، رادیولوژی و تزریقات و پانسمان بطور رایگان انجام می‌گیرد لذا تمام مخارج از طریق کمک‌های مردم به سازمان تامین می‌گردد. مخصوصا دارو را عمدتا مردم می - آورند که با توجه به فعالیت گسترده روز افزون مان محتاج کمک های دارویی بیشتری هستیم.

مراجعه به مرکز امداد هر روز بیشتر می‌شوند و تاکنون بیش از ۵۰۰۰ مریض سرپایی داشته‌ام. بیماران پس از معاینه و انجام آزمایشات لازم در صورت تشخیص دکتر بستری می‌شوند. آسانگاه بیماران با ظرفیت ۱۶ تخت شروع به کار کرد که قابل گسترش تا سیتی از ۳۰ تخت می‌باشد.

بلافاصله بعد از بستری شدن هر بیمار برپایش تهیه و تنظیم می -

دیدار برادر مجاهد مسعود رجوی با خانواده‌ی مجاهد شهید رضا حامدی

چندی پیش قبل از فرارسیدن چهلمین روز شهادت مجاهد شهید رضا حامدی برادر مجاهد مسعود رجوی با خانواده‌ی قهرمان پرور بودند در منزل رضایی‌های شهید ملاقات کرد. در این ملاقات گرم و صمیمانه پس از مدتی گفتگو، خانواده‌ی شهید حامدی پیراهن سورخ، سورخ‌شده‌ی رضا را به برادر مجاهد مسعود رجوی تقدیم کردند.

پس از پایان یافتن ملاقات، مصاحبه‌ی یا خانواده‌ی شهید حامدی انجام شد که ما متأسفانه به دلیل تراکم مطالب نشریه تاکنون



حون شهید و حضور خانواده‌ی شهید، مسئولین بنیاد هان را مصاحفت صورت داد.

برادر مجاهد مسعود رجوی پس از دریافت پیراهن تیرخوردی رضا گفت: "پیراهنی را که شما دادید، البته شخصا" من به تنهایی نایستی آن بستم، این پیراهن در کنار پیراهن مهدی رضایی متعلق به هزارها، هزار رضوا مهدی در تمام کشور است. من فکر می‌کنم که باز مسئولیتی بیش از پیش بر روی دوش ماها گذاشته شده است، مسئولیت خواهران و برادران زیادی نظیر خود رضا، شما خودتان ما را دعا کنید که این همت و این قوت را تبدیل مهدی و رضا داشته باشیم که ما هم به چنان قبضی برسیم. نه تنها خودمان بلکه پدران و مادرانمان هم به این مرتبه و شان که شما رسیدید برسند و من از شما خواهش می‌کنم که ما را برای رسیدن به چنان قبضی دعا کنید.

بدر آن حوالی صفای حرامان را در حیران کثیفی حوالی گنجه در صحنه و حد در بست صحنه انبلی امداد قرار دهم. ما در آنجا کثیفی حوادث و اتفاقات عدلی و همچنین اندامات وسیع قابونی که ما تسال کردیم را به طور مفصل به حضور کثیفی مادران و بدران غیر بعدنه خواهیم کرد.

در روز شنبه‌ای از اندامات قابونی ما که هیور حسنه‌ای از آن بدست ماوردیم ارائه می‌شود، ارجاع با استفاده از مشق روز و حقایق وسلبندی خاوادگی افراد را در احسنار گرفته و به شرح قابونی حاضر به پس دادن آیوان خنقی افراد کانون بست.

اداری مملکت همچون توب فونالی توسط مقامات مشول به ادارات و موسات مختلف دولتی "باسکارتی" بندم، آنا این براروا است بعد از اغلات اسلامی هم همچون گذشتند، شاهد کامداری و "باسکارتی‌های ادارتی نامیم، آسم برای صالده مهم و حساسی مل حطه به فراکر سروهایی سرپی و اغلاسی؟

از نظر ما عمل وحسانه‌ی حطه و اعمال کانون یوحندی با سارت مک مسالته کوچک که صرفا در اثر فلدوی یک مسد فالتیز و نه حطانت یک یا چند تن از افراد کمسنه‌ی منطقه‌ی ۱۰ ساد یک صورت گرفته باشد بلکه اساسا حاکی از فوطنه گسترده‌تری است علیه سروهایی سرپی که عناصر فرصت‌طلب و فریغ در طراحی و هدایت کردن جریانات فوق بنی اول را اعلا می‌کنند. ما این عمل را نه مناعی بخاوری آشکاره به حرم باک و مفید آزادی داسنه و سیاسی مردم قهرمان بخصوص مادران و

روبویت به: کتبه مطبوعات کشور، کنهان، اطلاعات، ندای آزادی، اغلات اسلامی، مجاهد.

در حاشیه مراسم...

کرده و تعدادی را کشته‌اند اما حقایق لکن این حطانت روی اجرائی مراسم ناشری نگذاشت و وقتی عناصر فالتیز نتوانستند در تهاجمات خود موفق به برهم زدن مراسم گردند برآکنده شده شهید گردند که در پس راه "به حساب خواهران و برادران" ما و خواهران سرمد تعدادی از افراد نهادهای فوق الذکر نیز تصریح کرده بودند که "در جاده حسابان را خواهیم رسید". در این قسمت از گزارش درگیریها گاها بعضی از عناصر فالتیز که توسط خواهران و برادران دستگیر می‌شدند دارای کارتهای منحصر کمسنه‌ی منطقه ۱۴ بودند - به طور مشخص از شخصی به نام جعفر آبادی که از فالتیزهای معروف است کارت این کمسنه دیده شد - اما برادران شاه پاسداران در این سن نقش منتفی ایفا کرده و سیتی در جلوسگری از تهاجم جفاقداران را داشتند. از برادران پاسدار سنده شد که می‌گفتند "درگیری به نوع امریکاست". پس از پایان مراسم فالتیزها کلیه سروهایی‌تان را در ضلع شمالی نسبت رهرا و مقطع ورودی به انوبان و در جنوبی و جاده‌ی نسبت‌رها مرکز کرده بودند. قابل توجه است که عناصر معلوم الحال به دهات اطراف - مانند باقرآباد - رفته و برخی از اهالی ناآگاه را با این شاعبه که هم به درد و دل‌های معمولی ستری شد، اجرا لمر از این همه درپردری و سرگردانی در این شبکه‌ی وسیع

کردیم حطه کردن به گروه با جمعیتی که آزاره‌ی فعالیت دارد. به مناعی نفیبت روحیه‌ی سلطه‌گری و هرج و مرج ظنی است اما جواب‌هایی که به ما دادند: "محمول روال مشخصی داشت: عدم مقبول مسئولیت، "ما سرور فرستادیم، اصلا حادثه اتفاقی ساخته، شاید تحت آزاد کنیم، شما جهان سیتی‌تان خراب است، افراد مسلح مشول درگیری سستی مردم هستند؟! ما کنگاره‌ی ای نسیم دست همه‌ی ما سته است. فالتیزها با دخصم بگیرند...

جمعه ۵۹/۲/۲۶: حاشیادگان کانون با در دست داشتن سند مالکیت خانه تحویل گرفتیم محل کانون به خانه برور مراجعه کردیم. گفتند ما روز داریم و سحر کردیم. کسی وارد خانه نود. شد ۵۹/۲/۲۷: به کمسنه منطقه‌ی ۱۰ سناد "اتصال کنندگان کانون" مراجعه کردیم گفتند مشولیس نیست. بعداز ظهر همان روز به کمسنه مرکز رفتیم، گفتند ما دستورات لازم را به کمسنه منطقه

اطلا عیه‌ی شماره ۲ کانون توحیدی بشارت

در اطلاعی شماره ۱ یک کانون توحیدی بشارت توضیح دادم که چگونه فالتیزها، مرجعین و مغرهای متعمرکان، چه آبهایی که در صحنه حضور داشتند و رمب و آمده‌های متشکر و دل‌سوزی‌های دروغ‌بستان، ساگر سبات بلندشان بود. و چه آبهایی که از پشت صحنه همه‌ی جریانات را هدایت می‌کردند، و نه حیات خاستان که کسی متوجه اعمال - لسان نسبت! آنا اینان خدا را سیر فراموش کرده‌اند. ... کفاظر بر اعمال تمام بندگانش می‌اند؟! والله عسر العباد ... حال می‌خواهیم قسمی از اقدامات ا بی‌گیری‌های! به اصطلاح همه‌جانبه‌ی عددهای از مقامات مشول را؟! نا آجاستی که ما دروبان داشتیم و سوانسیمی با امکانات سبار اندک آنها تاس برقرار کنیم " برای مردم عرب‌رمان خصوصا مادران و بدران منطقه‌ی میدان خراسان شرح کنیم که

جرا و وقتی مساله بر سر گرفتیم و ردد و نوهن کردن به سروهایی اغلاسی و اتعال کردن جا و مکان‌شان باشد، به سرعت حکم صادر می‌شود و به مورد اجرا در می‌آید ولی وقتی مسالته حل مسائل و مشکلات مردم باشد، باید صبر کنیم، تا بگیرند و بزند و تاراج کنند و بالاخره بکشند تا هم باید صبر کنیم، عجبا، این درست است، که ما صبورم، باهم صبر می‌کنیم، ولی باید ندانند صبر ما در هر مرحله‌ی مفهوم خاص خودش را خواهد داشت، والله مع الصابیرین در اولین دفاعی حطه به کانون توحیدی بشارت (ساعت ۹/۵ شب جمعه) به وسلبه‌ی لغن ما کله مراکز ملکیتی، از کمسنه‌ی منطقه ۱۰ سناد ۱ گرفته تا کمسنه‌ی مرکز و دفتر ریاست جمهوری تاس گرفتیم و همه‌ی آنها را در جریان فوطنه‌ی که متأسفانه تحت‌تاس اسلام و مردم در حال شکل‌گیری بود، قرار دادیم و تا کرد

بسمه تعالی
ستاد مرکزی انقلاب اسلامی - منطقه ۱۰
حیو شرق تهران منطقه ۱۰

تاریخ: ۵۹/۲/۲۶
شماره: ...
عنوان: ...

موضوع: ...
توضیحات: ...

بسمه تعالی

اطلاعات: اطلاع برسران...
تاریخ: ۵۹/۲/۲۶
شماره: ...
عنوان: ...

موضوع: ...
توضیحات: ...

مبارزات خلق‌ها و شکست سیاست‌های تجاوزکارانه امپریالیسم

بارها و بارها توسط نیروهای انقلابی و خلقهای از بندرسته، این مسئله مطرح شده است: در مبارزه‌ی خلق‌ها با امپریالیسم، بیش از دوره نمی‌تواند متصور باشد، اسارت یا نبرد. و این واقعیتی است که در طول مبارزات و کسب تجارب توده‌های در بند، حاصل شده است.

اگر می‌بینیم که امپریالیسم آمریکا، پیروزی مردم ویتنام را می‌پذیرد، اگر شاهد پیروزی ملت کوبا بر آمریکای استعمارگر هستیم و اگر... نه به دلیل مسامحه، دلسوزی و به علت مسائل مهمتر در سیاستهای استعماری آمریکا، بلکه به دلیل مبارزات بی‌امان این توده‌های زجر دیده است. بخاطر داریم که مثلا "در ویتنام، چگونه مردم، سلاح بردوش و با چنگو دندان در مزارع، کارخانه‌ها و... از حیثیت، شرف و حقوق خود در مقابل امپریالیسم آمریکا دفاع کرده و بمب افکنهای غول‌پیکر "ب-۵۲" را به زیر می‌افکندند و به یاد داریم که...

پس کوتاه شدن دست آمریکا، نه به دلیل اقدامی از طرف خود، بلکه به علت شکستی است که توسط توده‌های مردم بدان تحمیل می‌شود.

اکنون همه شاهد نغمه‌هایی هستیم که توسط آمریکا و متحدینش ساز شده است، بدین شکل که، "نیازهای انرژی آمریکا به نفت خلیج فارس، ممکن است باعث تغییر مشی آن کشور شده و لذا به برپایی یک دولت فلسطینی و یا حضور بیشتر نظامی خود، در دریای عمان و اقیانوس هند، بهای بیشتری بدهد."

جای بسی شگفتی است! چگونه امکان دارد، کشوری که، اسرائیل غاصب را تا دندان به سلاح‌های مدرن و بمبهای اتمی مسلح کرده و با آواره نمودن میلیونها تن فلسطینی، آن را به عنوان پایگاهی در قلب کشورهای منطقه و برای اعمال سیاست‌های سلطه - طلبانه‌اش بنا نهاده، اکنون به اصطلاح تغییر مشی داده و حقوق آنها را به رسمیت بشناسد؟ (چنانکه دیدیم با تو کردن قطعه‌هایی که تجاوزات اسرائیل را محکوم می‌نمود، زمینه را برای تهاجم بعدی اسرائیل فراهم کرد.) و چگونه ممکن است، آمریکایی که همیشه با استفاده از اتمبارش در منطقه به عنوان پایگاه نظامی، چهره‌ی واقعی خود را در پس نقاب حقوق بشر مخفی می‌نمود، حال مستقیما "خود" مبادرت به لشکرکشی نموده و منطقه را به یک پست قوی نظامی مبدل کرده است؟

پس اگر آمریکا تقویت حضور نظامی را طرح کرده و یا دم از پذیرش یک دولت فلسطینی می‌زند، ثمره و نتیجه‌ی سیاست‌های ضد-امپریالیستی و مضمون واقعی نبرد خلق‌ها - و منجمله خلق فلسطین - با امپریالیسم است.

«خبرگزاری یونایتد پرس (۱/۱۸) - ناس عرفات "خطاب به خبرنگار تایمز گفت: فکر می‌کند، آمریکا تا چه مدت، خواهد توانست، نفوذ خود را در منطقه حفظ کند؟ با تمام تلاشی که آمریکا به عمل آورد، نتوانست پایگاه محکم خود را در ایران حفظ کند و اکنون، آمریکا سعی دارد بر "اسب اسلام" سوار شود. اما آمریکا گویی فراموش کرده است که مسئله فلسطین "ام‌المائل" منطقه است و با نادیده گرفتن حقوق ملت فلسطین، صلح، ثبات و امنیت (برای تأمین منافع آمریکا و...) در خاورمیانه برقرار نخواهد شد.»

«خبرگزاری وفا (۲/۲) - ابو -عمار، رئیس کمیته اجرائی ساف و فرماندهی کل نیروهای انقلاب فلسطین اظهار داشت که در آینده نزدیک، اعراب صدور نعت را به ایالات متحده آمریکا، قطع خواهند کرد.»

وی گفت: بدون حل مسئله فلسطین، نه صلح و نه آرامش، نمی‌تواند در منطقه وجود داشته باشد. زمان هر چند طولانی شود، ما اهداف خود را به تحقق خواهیم رساند.»

«خبرگزاری رویتر (۱/۲۶) - ماحد ابوشرف مسئول روابط عمومی گروهها و سازمانهای فلسطینی اعلام کرد، کماندوهای فلسطینی در هرگونه تجاوز نظامی ایالات متحده به ایران، به ایرانیان کمک خواهند کرد.»

وی گفت: نهضت کماندوئی فلسطین، انقلاب ایران را اتحادی استراتژیک در مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم تلقی می‌کند.»

«خبرگزاری وفا (۱/۲۹) - ابو

از سرویس خبری مجاهد:

در شهرستانها چه می‌گذرد...؟

رشت: در تاریخ ۳/۱، استاندار کیلان اعلامیه‌ای در رابطه با حملات بعضی از افراد به دفاتر گروههای سیاسی به شرح زیر صادر نمود:

سیدعلی مدنی وسیله به اطلاع کلیه اهالی محترم کیلان می‌رساند که برخی اوقات دیده شده افرادی به دفاتر احزاب سیاسی حمله می‌نمایند و در بعضی از موارد افراد فرصت طلب و ضد انقلاب از این حرکت‌ها سوء استفاده کرده‌اند. لذا از کلیه مردم مازر کیلان تقاضا می‌نماید که به هیچ وجه حق حمله به دفاتر و اماکن گروههای سیاسی را نزنند. در صورت مشاهده این گونه اعمال افراد مخلف به دادگاه انقلاب معرفی خواهند شد.

کرمانشاه: در تاریخ ۳/۱ مراسم بزرگداشت هجرت شهید دکتر شریعتی توسط اوباش سپه رنجته شد. در آن مراسم که پیش از پایان سخنرانی احسان شریعتی شروع شد، خود احسان سر از صربان اوباش میمون نهاد.

"آمریکانابود اولسون بیکار لاریش اولسون" از ورمه:

معنی این شعار غربی اینست آمریکا نابود شود، برای بیکارها کار ایجاد شود.

این شعار رمایی داخل دهکای در ارومیه نصب شده بود. صاحب این دهک، طی نامه‌ای براحسان نوشته بود: "بنده حدود دو سال است بیکارم ولی به علت فشار مادی و نداری، در عرض این دو سال، کارهای مختلفی از قبیل دستفروشی و کارگری و بالاخره در روزهای اخیر جای فروشی می‌کردم. یک هفته‌ای

پای صحبت يك گلخندتاب در مشهد



گلخندتاب (نون تاب) ... به چه می‌اندیشد

شهادت آفات سمروزی هم‌ما را زیر نالش گرفته بود. حر گلخندتاب حمام جلهمان را، به کوچی بست حمام کدرسیدم برآمد را دیدم که مثل همیشه از گلخند سرور آمده و همه‌چیز را به کینه از جلوی چشم میگرداند، اما عجول، درست مثل شکوری که به نور برسد، فراری بود. می‌جورده، بوی کاروشل منامش را عادت داده، آجرا و روری دوسنار سسر سرون می‌آید. خودش می‌گوید: نمای من همسحاب، با تاریکی جو کرده‌ام. ۱۵ سال است که گلخندتابم. حالا قووم بنده ۳۰ تومان. فقط بارها جای باسری - نوام بخورم. می‌دانم چرا با نور منای دارم. همسحاب هم می‌جوام وقتی خواسم از وضع سسر حوا تویم. حوصله‌اش سر رفت و گفت: "اگر من گلخند را روشن کنم مردم حطور حمام بروند." در آخر، برآمد از این که بعد از سالها، کسای به نمای تاریکی دم‌گدانه و دستپایس را به محبت سزده بودند، و حوخال بود، وقت حداحاطی که رسد ما را در آغوش گرفت و گریست...

سپار ۵۹ شهید

کانون‌اللاغ اندیشه‌های شریعتی طی اطلاعیه‌ای بزمیون حوادث کرمانشاه و حمله‌ی اوباش "شیت" به مراسم بزرگداشت شهید شریعتی، ضمن هشدار به تمامی مردم و مسئولین امر، علیه این گونه اعمال قرون وسطانی و اتحاد هرج و مرج، هنگ آزادی بیان و برگزاری مراسم، توهین مستقیم به دکتر شریعتی... و سروهای مترقی مذهبی، حمله و مصروب نمودن برادر احسان و توهین به برادر احمدزاده و استاد محمد نعی شریعتی و استاد سهرابی و بوران شریعت رضوی، به مقامات مسئول کشور، سرد دادستان کل کشور اعلام حرم نموده و گفته است، چرا که این بار به عوض آمریکای حباخواار، حسبت انقلابی سپهرین فرزندان خلفان به حطر افتاده است و حرمت حامی آزادی‌ها و اساسات و اعلام و

شنع و اغلاب در معرض تجاوز آسپم به دست این‌گونه ارادل و اوباشان است. در پایان این اطلاعیه از تمام بیروان راه شریعتی و آسپاهی که لااقل حربت خود را حفظ نموده‌اند خواسته شده تا در مقابل این حرمان‌های انحرافی که می‌رود تا بود و نبود اغلاب را به آتش کشد، بی‌تعاونت ننشستند و به وظیفه‌ی اسلامی و انسانی خود عمل نمایند. همچنین احسان شریعتی نیز، طی پیامی به مردم کرمانشاه از این که دست‌آورد‌های دهها هزار شهید اغلاب و راه معلم شهید، اس گونه مورد تجاوز فرار می‌گرد و دشمن عمده یعنی امپریالیسم آمریکا و بسازی وابستگاران فراموش می‌گردند و حکم‌های کور غالب می‌شوند، اظهار تاسف کرده است.

حب چه می‌شود کرد؟ وقتی صبح می‌آید و می‌بینند بر دهک آن رفته است که در عکس می‌بیند، اشان نوشته‌اند فالانزها دهک او را به خاطر حمایت او از مجاهدین به این روز انداخته‌اند - به این برادر ناید گفت که بر "تو خالی بودن ارتجاع" گفته شده است او بلکه بسازی چیرهای دیگر بر گواهی است! در مورد سکاران هم اشان الله مقامات با فرارگرفتن در حط صحیح مبارزه‌ی ضد امپریالیسمی، نتوانستند به حای برداشتن به مسائل فرعی به این مشکل بزرگ اجتماعی هم‌رسدگی کنند.



دهک‌های ویران شده: سندی کوچک اما گویا بر علیه ارتجاع

تلگرام استاد علی تهرانی به حاج سید احمد خمینی

مهندس: جناب مستطاب حجت‌الاسلام آقای حاج سیداحمد خمینی دامت عززه رونوشته صدوا سیمای جنپوری اسلامی ایران رونوشته به خبرگزاری پارس مجددا از شاخواستارم حمله‌هایی که به افرادی از گروهها و با ساختمانهای آنها می‌شود و گاهی به کشته‌شدن بعضی و گاهی به مجروح شدن صداهانفر منجر می‌گردد و در روزنامه‌ها منعکس می‌گردد و پنهانی دروغین حمله‌کنندگان، دستور امام

از علاقمندان تقاضا می‌شود که کمک‌های مالی خود برای سازمان مجاهدین خلق ایران را به حساب جاری شماره "۱۳۰۰" بانک صادرات شعبه ۴۵۹ واقع در پیچ شمیران واریز نمایند، و حواله‌ی آن را به صندوق پستی "تهران ۱۶- شماره ۶۴/۱۵۵" ارسال دارند.

روزنامه «مجاهد» نشریه مجاهدین خلق ایران سال اول آدرس: تهران ۱۶ صندوق پستی شماره ۶۴/۱۵۵

منطقه استراتژیک، به خوبی در گزارشی که توسط دفتر برنامه‌ریزی بودجه‌ی کنگره‌ی آمریکا تقدم کمیته‌ی انرژی سنا شده پدیدار بود. در قسمتی دیگر گزارشی آمده: از آجاسی که تا سال ۱۹۸۵ حدود ۲۰٪ از نفت مصرفی جهان از منطقه‌ی خلیج فارس تأمین خواهد شد، آمریکا ممکن است تحت فشار بیشتری قرار گیرد و لذا به برپایی یک دولت فلسطینی و با حضور بیشتر نظامی خود، در دریای عمان با اقیانوس هند، بهای بیشتری بدهد.

همچنین آمده: امریکایی‌تواند "تعهداتش" نسبت به اسرائیل را... نادیده انگارد...

در راه خدا و در مقابل بورش صهیونیسم و امپریالیسم جهاد کنند.

باید دانیم که اغلاب یک کل فکریک ناپدید است. ما در جنبه‌ی نظامی، دیپلماسی، سیاسی، ملی، اسلامی و فرهنگی می‌جنگیم.

«مجله اشترن (۳/۱) - عرفات گفت: زمانی که ایرانی‌ها طی عملیاتی با آمریکا مبارزه‌کنند، ما جانب آنها را می‌گیریم.»

یونایتد پرس (۳/۳) به موجب گزارشی، نیازهای انرژی آمریکا به نفت خلیج فارس، ممکن است باعث تغییر کنونی آن کشور شده و لذا احتمالا "برپایی یک دولت فلسطینی را بپذیرند. یک چنین امکانی و نیز نیاز بیشتر آمریکا به حضور نظامی، در این

و نادیده گرفتن حقوق فلسطین دیگر راهی نمی‌ماند جز اینکه عملیات نظامی را در درون سرزمین اشغالی اوج بخشیم و گفت که "امیدواریم محور سویم دامه‌ی سرد را به خارج از صهن اشغالی وسعت دهیم."

یامداد (۲/۱۸) عرفات گفت: فرزندان ما از صهن و سرزمین عقیده‌ی خود، در مقابل بورش نظامی صهیونیسم و امپریالیسم آمریکا که در آن از مهلک‌ترین سلاحهای آمریکایی مثل گازهای حفه - کننده و بمبهای خوشه‌ای استفاده می‌شود، دفاع می‌کنند.

کودکان لسانی و فلسطینی چاره‌ای جز فرارگری و اسفاده از اسلحه ندارند با آن از حیثیت وطن و عقیده‌ی خود دفاع کرده و